

# دهه انقلابی (1979 - 1989) در عربستان سعودی

## دهه انقلابی (1979-1989) در عربستان سعودی

در این مقاله، نویسنده به بررسی جنبش‌هایی که در عربستان سعودی در دهه 1979 تا 1989 شکل گرفت و تأثیراتی که انقلاب اسلامی ایران و مدرنیزاسیون بر این جنبش‌ها گذاشته است، می‌پردازد.

### تنها انقلاب راه حل است (1)

برای مدت نیم قرن پس از سرکوب انقلاب اخوان در سالهای 30-1928، عربستان سعودی هیچ حرکت اپوزیسیونی را که دارای انگیزه‌های مذهبی باشد، تجربه نکرد. اشغال مسجد مقدس در سال 1979 مشروعیت حاکمان سعودی را به چالش کشاند؛ حاکمانی که عمدتاً حاکمیت خود را به وسیله تعهدشان به ارزشهای وهابیت و خدمت به حرمین شریفین توجیه می‌کردند. شورش جوهریمان اولین نشانه‌ی شکاف در ساختار مذهبی بود. شکافی که بعداً به تفرق‌های هر چه بیشتری منجر شد، مانند اختلافی که بین نوسلفی‌ها به ویژه در بحران سال 1991 خلیج فارس واقع شد. خطرناکترین وجه جنبش جوهریمان آن بود که از ادبیات اسلامی برای محکوم ساختن رژیم مذهبی سعودی استفاده کردند. اپوزیسیون مذهبی شیعه اگر چه به عنوان اپوزیسیون خارجی معرفی می‌شد، به ابعاد این حمله علیه رژیم سعودی افزود و پایه‌های مشروعیت مذهبی آل سعود را زیر سؤال برد. بین سالهای 1980 تا 1993 سازمان انقلاب اسلامی به بلندگوی شیعیان و همچنین سایر گروه‌های سیاسی دیگر باگرایشهای مختلف (به ویژه کمونیست‌ها، لیبرال‌ها، ملی‌گرایان و پان‌عربها) تبدیل شد؛ یعنی کسانی که نتوانسته بودند به فعالیتهای خود در قالب اپوزیسیون در سطح ملی و بین‌المللی ادامه دهند. این فصل به تأکید بر عواملی می‌پردازد که به قیام شیعیان در نوامبر 1979 منجر شد. همچنین به ایدئولوژی سیاسی، استراتژی و اهداف سازمان انقلاب اسلامی (IRO) در دوره‌ی سالهای 1980 تا 1990 می‌پردازد؛ گروه فعالی که به عضویت MVM در آمده بود و توسط شیخ حسن الصفار و شیخ توفیق السیف رهبری می‌شد. آنها در منطقه‌ی القطیف فعال شدند؛ در میان حلقه‌ی جوانانی که در زمینه‌های فکری و سازمانی علاقه نشان می‌دادند و آمادگی کامل برای پیوستن به جنبش را داشتند.

در خلال تعطیلات تابستان یکسری درسهای فکری و سازمانی در مدرسه‌ی رسول اعظم؛ و با هزینه‌ی آیت الله شیرازی و مدیریت محمد تقی مدرسی رهبر MVM در کویت، ارایه می‌شد. در این کلاسها تعداد زیادی از شیعیان جوان که اغلب دانشجویان دانشگاه‌ها و دانش‌آموزان مدارس بودند، به مدت دو هفته حضور داشتند. این کلاس‌ها با این هدف برپا می‌شد که جوانان را با دکتربینها و ارزشهای اسلامی آشنا نمایند و نسبت به بحران امت اسلامی و فعالیتهای زیرزمینی نیز آگاه کنند.

در ترکیب با دروسی که در کویت ارایه می‌گردد، جلسات کوچک و مخفیانه‌ای نیز در خانه‌های مردم به شکل خصوصی در القطیف و الحسا نیز برپا می‌شد در این جلسات نیز موضوع اصلی وضعیت سیاسی امت اسلامی بود که آنها نسبت به روندهای سنتی مذهب میان شیعیان انتقاد

می شد و بر اهمیت تغییرات فکری در جهان اسلام تأکید می شد. برای گسترش ایده های اسلامی، نوارهای ضبط شده، جزوات و کتابهای سید محمد شیرازی به طور گسترده ای بین شیعیان جوان توزیع می شد. مکتب فکری شیرازی به طور فزاینده ای تفاسیر جدیدی را از اصول فکری اسلامی، فقه و تاریخ ارایه می نمود. ایشان به همراه سید محمد تقی مدرسی چهره ای پویا و پر طراوت از تاریخ شیعه تصویر می کرد که در آن به تجربه امام حسین علیه السلام و امام موسی بن جعفر علیه السلام یا امام کاظم علیه السلام تأکید می شد. به طور خلاصه آنها می کوشیدند تا به وسیله مهم جلوه دادن و تأکید بر وجوه مقاومتی در تاریخ شیعه، افکار عمومی شیعیان را بسیج نموده و آنها را از حالت سکوت، سکون و انزوا خارج کنند. به علاوه، مراسم بزرگ مذهبی در منطقه ی القطیف مانند مراسم مربوط به عید غدیر در هفدهم ذی الحجه آخرین ماه تقویم اسلامی برگزار می شد در این مراسم، شیعیان به خاطر آنچه که اعتقاد دارند یعنی این موضوع که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و امام پس از خود علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود در غدیر معرفی نمود، جشن به پا می دارند؛ مراسم دیگری در 15 ماه شعبان به مناسبت میلاد امام دوازدهم حضرت مهدی (عج) برگزار می شود.

در خلال دهه ی 1970 گروهی از وعاظ و مبلغین با نفوذ و زبر دست متعلق به مدرسه ی آیت الله شیرازی به استان شرقی آمده و خطابه هایی را در حسینیه ها در قسمتهای مختلف القطیف به پا داشتند. از میان وعاظ معروف می توان سید مرتضی قزوینی واعظ معروف، زبر دست و محترم شیعه در کربلا اشاره نمود. او پس از بازداشت پدرش از عراق فرار کرد و در کویت اقامه گزید. شیعیان از او دعوت کردند تا در خلال مراسم عاشورا به سعودی بیاید. در سال 1978 وی خطابه های آتشینی ایراد داشت که احساسات مخاطبین خود را برانگیخت. واعظ باهوش و توانمند دیگر سید هادی مدرسی بود که فرد دوم MVM محسوب می شد. خطابه های انقلابی او مخاطبین زیادی را به خاطر شخصیت و شجاعتش به خود جلب نمود. وی به منظور تحکیم ساختار جدید MVM در القطیف و الحضا به استان شرقی به القطیف آمد و سخنرانیهای متعددی را درباره ی اندیشه های مترقیانه ی اسلام ایراد نمود. او با افراد منتخبی صحبت کرد که مسئول بر پایی پایگاه جدیدی برای MVM در استان شرقی بودند. به وعاظ بسیار معروفی از منطقه ی القطیف مانند شیخ حسن الصفار، شیخ توفیق السیف و شیخ فوزی السیف و شیخ محمد السیف شیخ منصور السیف؛ شیخ یوسف المهری و شیخ حسن خوالیدی می توان اشاره کرد. پایگاه آنان کویت بود و در حوزه رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم درس می خواندند این افراد در حالیکه تعهدات سازمانی و اجتماعی خود را نیز انجام می دادند مرتب برای وعظ و تبلیغ به استان شرقی می آمدند و فعالانه در مراسم مذهبی شرکت می کردند.

بنابر این در کمتر از مدت پنج سال، بر اساس روشها و تاکتیک های شیرازی جنبشی فعال و پویا استقرار یافت که در آن رهبران برجسته و سازمانهای مذهبی و مکاتب فکری مستقلی حضور داشتند در ابتدا این نهضت در مقام واکنش به رکود در مرجعیت مذهبی در نجف وسلطه محافظه کاران و انزوا طلبان شیعه پا گرفت و سپس - پس از انقلاب اسلامی ایران در سال 1979 - به یک نهضت سیاسی مبدل شد.

برای فهم سازو کارها، انگیزه ها و شرایطی که نهایتاً به آشوب شیعیان در نوامبر 1979 منجر شد به یک مطالعه ی دقیق نیازمندیم. به دلیل محرومیت فرهنگی، به حاشیه رفتن اقتصادی و سیاسی شیعیان، تعداد زیادی از شیعیان به گفتمان مذهبی روی آوردند تا به این وسیله بتوانند

به اعتبار خود بیافزایند و مسایل خود را حل کنند. کم کم بسیاری از شیعیان به این باور رسیدند که رژیم حاکم در صدد است حتی مشخصات فرهنگی و هویت مذهبی شان را خدشه دار کند. بنابر این شیعیان به فراسوی احتیاجات و نیازهای مادی حرکت کردند تا بتوانند از وحدت اجتماعی و پویایی استمرار فرهنگی خود دفاع کنند. بنابر عقیده ی شیعیان سعودی، آنها چندان از شکمهای خالی رنج نمی برند بلکه از شرافت زخم خورده خود در رنجند. (2) این موضوع در شعارهای شیعیان که در نوامبر 1979 در انتفاضه ی مردمی سر داده بودند، به خوبی هویدا بود شعارهایی مانند: نه شیعه، نه سنی، فقط وحدت اسلامی و اینکه ما شیعه جعفری هستیم و آنچه که می خواهیم فقط آزادی است. (3)

دلیل ناراضیتی های مردم در استان شرقی تنها محرومیت اقتصادی یا نا عدالتی اجتماعی نبود بلکه در احساس عمیق مربوط به بحران دسته جمعی و ترس فزاینده برای از دست دادن وحدت و هویت مذهبی ریشه داشت.

در خلال قرنهای گذشته شیعیان استان شرقی دو راهبرد متفاوت را برای کسب حقوق خود دنبال می کردند اول، راهبرد قانونی بود که بر اساس این راهبرد فرهیختگان و نخبگان شیعه که معمولاً متعلق به خانواده های تحصیلکرده و ثروتمند مانند الخونیری و الجیشی و العوامی و المبارک بودند این راه را دنبال می کردند. اینان از کانالهای ارتباطی خود با حکومت سعودی برای پیشبرد اهدافشان استفاده می کردند. در این طریق از به اصطلاح «مجلس المفتوحه» استفاده می کردند تا تقاضاهای خود را به گوش حکومت سعودی برسانند. همانگونه که توقعات و تقاضاهای شیعیان افزایش پیدا کرد این روشها نیز تأثیر خود را از دست می دادند.

راهبرد دوم یک راهبرد فرا قانونی بود، که ابتدا در شورش عمومی سال 1979 و سپس در یک سازمان تشکیلاتی سیاسی یعنی IRO تجسم یافت و در واقع همه اینها واکنشی بود در مقابل این موضوع که حکومت سعودی حاضر به مذاکره نبود و نمی خواست که نیازهای بنیادین شیعیان را به رسمیت بشناسد. برای فهم روند راهبرد فرا قانونی دو متغیر را باید در نظر گرفت: 1. توقعات فزاینده ی شیعیان که در خلال قرن اخیر شدیداً افزایش یافته بود به سه گروه عمده تقسیم می شود: تقاضاهای اقتصادی که عبارت بودند از: کاهش فشارهای تحمیلی اقتصادی مانند اخذ مالیات و عوارض سنگین که از زمان اشغال الحساء در سال 1913 تا مرگ شاه عبدالعزیز در سال 1953 ادامه داشت. تقاضاهای مربوط به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی که شامل ساخت مدارس، ساختمان ها، سیستمهای فاضلاب و لوله کشی آب آشامیدنی جاده سازی و غیره می شد که به وسیله احساسات ملی گرایانه در زمان شاه مسعود و شاه فیصل تسریع می شد و سالهای 1954 تا 1974 را در بر می گرفت و سرانجام طیف گسترده ای از تقاضاهای مذهبی - سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که از زمان شاه خالد تاکنون نیز ادامه داشت. (4)

ایدئولوژیک شدن حکومت: اگر چه اسلام ایدئولوژی مشروع ساز حکومت محسوب می شود و رژیم سعودی از وهابیت در این راستا استفاده نموده؛ به قول یکی از سفرای قدیمی بریتانیا در عربستان سعودی در سال 1955، (5) علیرغم تلاشهای دولت سعودی آثار ایدئولوژی ملی گرایانه و سکولار در کل کشور به خوبی هویدا بود. رخددهای بعدی نشان داد که با افزایش فاصله و شکاف بین دولت سعودی و دولت ناصری مصر، سعودی می کوشد تا حد امکان به وسیله بسیج تحریکات اسلامی جلوی صدور تفکر ناصری به کشور را بگیرد. شعارهای اسلامی به طور فزاینده ای پس از موفقیت انقلاب اسلامی در ایران متداول شد و به این ترتیب رژیم سعودی همه تلاشهای ممکن را انجام داد تا از مشروعیت مذهبی خود با پناه بردن به دامن

علمای اسلامی در این کشور دفاع کند. دولت سعودی از این واژه داشت که اسلام انقلابی در ایران به یک پارادایم مقبول برای همه مسلمانان دنیا تبدیل شود. بنابر این علمای وهابی در تقابل بین رژیم و دشمنانش خود را به طور جدی وارد نمودند.

شاخه‌های مذهبی سعودی، شیعیان را در گروه مشرکین طبقه بندی نمود و بدین وسیله در صدد جلوگیری از حرکت آنها را در داخل کشور شدند همچنین سازمان انقلاب اسلامی را عاملی برای فعالیت اپوزیسیون شیعه می دیدند تلاش می کند مقابل رژیم سعودی ایستادگی کند. الصفار می گوید: جنبش اسلامی با یک رژیم ضد اسلامی مواجه است. حال گروه ها هر چه می خواهد باشند؛ کمونیست، ناسیونالیست یا سکولاریست که برای انجام انقلاب یا جهاد نیازمند هیچ توجیهی نیستند، چرا که جنبش اسلامی با یک رژیم منافقی است و همه از نفاق دینی موجود در این رژیم سیاسی خسته شده اند. بنا به گفته IRO این چیزی است که ما در تقابل خود با رژیم سعودی، با آن مواجه هستیم؛ رژیم منافقی که خود را به لباس اسلام در آورده است. (6) در چنین وضعیتی IRO تلاش زیادی به عمل آورد تا ادعاهای مذهبی رژیم سعودی را خدشه دار کند. به عنوان نمونه IRO طی ارسال پیامی در اکتبر سال 1982 به حجاج در مراسم حج به آنها هشدار داد که نسبت به نفاق موجود در ادعاهای مذهبی دولت آگاه باشند. چنین چالشهایی علیه دولت مطرح شد؛ آیا اسلام فرمول حاکمیت مبتنی بر ارث را قبول می کند؟

آیا در اسلام استبداد گرایی و فقدان مشارکت سیاسی مجاز دانسته می شود؟  
آیا ایجاد محدودیت در آزادیهای اجتماعی، سیاسی و فکری به طور قانونی مجاز می باشد؟  
آیا ایجاد همگرایی و ائتلاف با آمریکایی های کافر مستبد و گشودن درهای کشور برای هواپیماهای جاسوسی (آواکس) می تواند با معیارهای اسلامی منطبق باشد؟  
آیا هزینه کردن ثروت ملی در راستای منافع کارخانه های خارجی در اسلام قابل قبول است؟

### تغییرات اشکال اعتراض

مقاومت شیعیان در مقابل سیاستهای جبارانه دولت سعودی دارای شکل مختلف است: اعتراض محدود که در حرکت مردمی به رهبری شیخ محمد النصر در سال 1928 تجلی یافت، حرکت نخبه گرایانه ای که در دهه های 1950 و 1960 شامل ملی گرایان و سوسیالیستها بود. سرانجام حرکت مردمی - مذهبی که در اواخر دهه ی 1970 به وقوع پیوست هر سه نوع این جنبشها فشارهای مختلفی را بر رژیم سعودی وارد آوردند. تأثیر هر کدام از این فشارها را می توان در نوع واکنشی که رژیم سعودی نسبت به تقاضاهای شیعیان نشان داد ارزیابی کرد. آیا دولت سعودی این تقاضاها را به رسمیت شناخت و آنها را پذیرفت و یا مانند گذشته اصرار بر انکار آنها می نمود. نهایتاً به چه میزان دولت سعودی تلاش کرد که تغییراتی را برای بهبود زندگی شیعیان ایجاد کند؟

پاسخگویی به این سوالها کار آسانی نیست، چرا که هر کدام از این روشها دستاوردهایی را به همراه داشت و تغییر نوع اعتراضها نشان می داد که روشهای قبلی چندان مؤثر نبوده اند.

### تأثیر مدرنیزاسیون (نوگرایی)

روند سریع مدرنیزاسیون به همراه توسعه آموزشی، اقتصادی و فن آوری، مردم سعودی را دستخوش تحول نمود. میزان جمعیت شهری از سی درصد در سال 1960 به 82 درصد در سال 2000 رسید. دولت سعودی حدود 771 میلیارد دلار برای 4 برنامه ی پنج ساله از سال 1970 تا 1975 صرف نمود. در اولین برنامه پنج ساله یعنی سالهای 1970 تا 1975 دولت بحرین 67 درصد کل فعالیتهای خود را به ساخت و ساز در کشور مانند جاده سازی، راه آهن و بنادر فرودگاه ها،

پایگاه های نظامی، بیمارستانها، مدارس، دانشگاهها، مسکن سازی سریع و تأسیسات اختصاص داد. (8)

در توصیف شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گذشته در استان شرقی و منطقه ی خلیج فارس می توان- از نظر ال. اس امری در سال 1928 - استفاده نمود. نظر او در پیشگفتار کتاب آرنولد ویلسون تحت عنوان خلیج فارس آمده است. امری در ارجاع به وضعیت خلیج فارس می گوید منطقه ای از سواحل متروک، بادهای گرم وسوزان و خورشید بی رحم است جایی که طبیعت بدترین شوخی ها را اعمال می کند و انسانها هیچ اقدام مؤثری را برای بهبود شرایط خود انجام نداده اند.

با این وجود، شرایط این منطقه به تدریج بهبود یافت چرا که در آمدهای نفتی ثروت زیادی را برای توسعه این جوامع به همراه آورد.

استان شرقی در مقام مقایسه با سایر مناطق به سرعت گسترش یافت. روستاها در خلال عمر یک نسل به شهرهایی بزرگ مبدل شدند. شهرهایی نوینا شد و محیط کاملاً جدیدی در حال ایجاد بود. این تغییرات فرصتهایی را برای برآورده ساختن نیازهای بهداشتی، خانه سازی و آموزشی ساکنین به وجود آورد. (10)

تغییرات مهمی در حوزه های سیاسی - فرهنگی و اقتصادی - اجتماعی به وقوع پیوست که همه حاصل پدیده ی توسعه اقتصادی بود. استان شرقی میزبان جمع زیادی از متخصصین بود تا در زمینه ی استخراج نفت که برای اولین بار در سال 1938 انجام شد گفت و گو و کمک نمایند، و این در حالی بود که شرکت آرامکو در سال 1933 امتیاز استخراج را به دست آورده بود. شرکت آرامکو در تلاش برای رفع نیاز فزاینده استخدام و گسترش تأسیسات نفتی، صدها متخصص آمریکایی را جهت کمک به توسعه ی صنایع نفتی د رخلال برنامه های آموزشی برای کارگران سعودی به شرکت دعوت نمود.

این اقدامات به چه میزان در ساخت تأسیسات شرکت نفتی عربی و آمریکایی آرامکو حایز اهمیت بوده است؟ نقش آرامکو صرفاً به استخراج نفت و صدور آن به بازارهای نفتی محدود نبوده است. بلکه کل تأسیسات به آنها فروخته شده بود. آرامکو جدا از شوسه نمودن جاده ها و اسقرار لوله های نفتی، ساخت بنادر و فرودگاه ها، ارایه کننده ی مدارس، بیمارستانها و ساختار های اجرایی در زمینه آموزش، بهداشت، خدمات عمومی نیز بوده است. خدمات زیادی در این راستا به ویژه در زمینه ی آب آشامیدنی و امور بهداشتی ارایه شد. (11)

در سال 1941، آرامکو برای مبارزه ی با مالاریا برنامه ی گسترده ای را تدارک دید، چرا که این بیماری ساکنین استان شرقی را به سختی تهدید می کرد. در سال 1942 یک مرکز پزشکی برای معالجه کسانی که به این بیماری مبتلا شده بودند تأسیس شد. از نظر این شرکت، مالاریا مسأله ای جدی برای مبتلایان به این بیماری به ویژه در منطقه القطیف بود. شرکت برنامه های کار آمدی را به مرحله اجرا گذاشت که با اجرای آنها نسبت بیماری به حداقل ممکن رسید. (12) هنگامیکه دولت در مبارزه با بیماری مالاریا به موفقیت دست نیافت، آرامکو برنامه ی گسترده ای را برای مبارزه با این بیماری با همکاری آپارتمان بهداشت دانشگاه هاروارد به مرحله ی اجرا گذاشت. در سال 1983 خدمات آرامکو شامل تأسیس 13 مرکز عمومی و مقداری کلینیک تخصصی و به اضافه ساخت 2 بیمارستان مجهز، مدرن و بزرگ در رأس التنور، و ظهران بود. از دهه 1940 تا دهه 1950 آرمیکو به آژانس مربوط به امور عمومی و وزارت نفت رژیم سعودی مبدل شده بود و در عین حال دولت آمریکا نیز در فعالیتهای دیپلماتیک و اطلاعاتی خود نیز بر آن تکیه می نمود. (13) در خلال این دوره بسیاری از سعودی ها با این شرکت یا مدیران آمریکایی

و خانواده های آنان ارتباط برقرار کردند؛ افرادی که در یک زندگی برنامه ریزی شده در به اصطلاح اردوگاه های آمریکایی زندگی می کردند. جایی که نژاد و طبقه خاص فقط مورد لحاظ بود. نهادها و فرمهای نژاد پرستانه در این راستا فعال بودند و مستخدمین آمریکایی آرامکو دارای موقعیت و مزایای ویژه بودند.

هر ساله همه آمریکایی ها از چهارده روز مرخصی با حقوق همراه تور مجانی به قاهره، بیروت، تهران، یا سایر شهرهای خاور نزدیک برخوردار بودند هر دو سال یکبار نیز می توانند با حقوق کامل به آمریکا بروند و در آنجا اقامت کنند. حقوق کارمند معمولی از 250 دلار در ماه تا 800 دلار برای مدیران متفاوت بود و تقریباً همه در آمد پس انداز می شد زیرا مبلغ زیادی در سعودی هزینه نمی شد. (15) در مقابل حداقل دستمزد کارگران محلی 12 سنت در روز بود و در سال 1954 روزی سه ریال شد. حقوق ماهیانه بین 90 تا 1500 ریال بود (16) جریاناتی که در اردوگاه سعودیها اتفاق می افتاد هنوز یک راز است، زیرا به دلایل امنیتی مسایل بازگو نمی شد. جاده آسفالته یا وسیله ی حمل و نقل به طهران وجود نداشت تا بروند و مطالب را بگویند. اغلب ساکنین اهل دار القطیف یا از الحساء بودند. آنها مجاز بودند ماهی یکبار اردوگاه را ترک کرده و خانواده های خود را ببینند.

تا سال 1993 که شرکت استاندارد اوایل کالیفرنیا فعالیت خود را در سعودی شروع کرد هیچ کارگر محلی دیگری در شرکت نبود. اما در سال 1950 حدود 20/400 کارگر در شرکت آرامکو بودند که از آنها 400 نفر آمریکایی و 12/400 نفر سعودی و بقیه اتباع سایر کشورها بودند و صاحب موقعیتهای غیر ماهرانه و یا کارگر عادی محسوب می شدند؛ در حالیکه فقط 5% مناصب مدیریتی متعلق به آنها بود. (18) شیعیان منطقه به ویژه از الحساء حدود شصت درصد نیروی کار آرامکو سعودی را در سال 1954 تشکیل می دادند. در سال 2004 تعداد کارگران سعودی به 43/266 نفر از مجموع پنجاه و چهار هزار نفر رسید. (20)

کارگران سعودی شیعه استان شرقی تقریباً تا اوایل دهه پنجاه منزوی و با دنیای بیرون بیگانه بودند اما وقتی آرامکو نفت را به مقادیر تجاری استخراج کرد و کارگران شیعه را به خارج از کشور اعزام نمود؛ بدین وسیله اینان توانستند به کشورهایی مانند لبنان، مصر؛ اروپا و آمریکا مسافرت کنند تا در دوره های آموزشی شرکت نمایند. برخی از آنان که از لحاظ هوش و استعداد خوب بودند، توانستند در دوره های آموزش عالی وارد شوند و این امر در حالی بود که نیاز به پرسنل فنی و متخصص نیز افزایش یافته بند. آنانی که پس از غیبتی نسبتاً طولانی به کشور باز گشتند با خود ایده ها، عرفها و ارزشهای جدیدی را به همراه آوردند. این اقدامات این اقدامات علیرغم تلاش دولت برای خنثی سازی نفوذ سیاسی و فرهنگی خارجی ها بر افرادی که در خارج بودند، صورت می پذیرفت.

در اوایل دهه 950 تنها تعداد محدودی از سعودیها در منطقه الحساء از کارهای موجود در بخش های عمومی در مدارس و بیمارستانها بهره می بردند. اما شرایط پس از یکسری از اعتصابات کارگری در سالهای 1953 و 1956 که توسط مخالفان سعود در نصیر السعید صورت گرفت به تدریج بهبود یافت.

این اعتصابات به مدت سه هفته ادامه یافت که حاصل آن بهبود نسبی شرایط برای کارگران بود. اعتصابات سال 1956 اعتراض علیه ملاقات شاه سعودی به دلیل دیدار او از پایگاه هوایی طهران در استان شرقی صورت می پذیرفت که منجر به دخالت ارتش سعودی و لشکر آمریکا شد. سپس، اعتصابات و اعتراضات مربوط به کارگران سعودی شکل سیاسی گرفت. این حرکت که متأثر از ایدئولوژی ناصری بود، به تشکیل سازمانی به نام اتحادیه مردمی برای آزادی شبه جزیره



ی عربستان در سال 1966 منجر شد. اتحادیه برای همه کسانی که به دنبال تشکیل یک کشور ملی عربی بودند دارای جاذبه بود علیرغم شکست ناصریسم پس از جنگ 1967 کارگران آرامکو نقش مهمی را در حمایت از جنبش سروان داوود رمیعی، فرمانده ی پایگاه هوایی طهران و فرمانده نظامی سعید الامری در سال 1969 ایفا نمودند. این جنبش به دنبال سرنگونی رژیم سعودی با شکست مواجه و رهبران آن بازداشت و یا اعدام شدند که از بین آنها می توان به محمد الربیعی (که در زندان عبید جده جان سپرد)، اشاره نمود. به کارگران محلی دستور داده شده بود تا اردوگاه های خود در طهران را ترک نکنند و توجیه این بود که چون بیماری وبا در منطقه القطیف در حال گسترش است نباید این کار انجام شود اما در واقع می خواستند که از تجمع و سازماندهی اعتصاب کارگران ممانعت به عمل آورند.

کارگران آرامکو در منطقه ای که توسط شرکت تعریف شده بود مجاز به حرکت بودند که از ایستگاه رادیویی دمام تا سیحت را شامل می شد.

با این وجود، گرایش آرامکو نسبت به کارگران سعودی کمی بهتر شد؛ چرا که شرکت به طور فزاینده ای به کار و تخصص افراد بومی جهت اجرای پروژه ی بزرگ خود نیازمند شده بود. برنامه های آموزشی و کلاسهای سواد آموزی ترتیب داده شد. در سال 1953 اولین مدرسه ابتدایی را در استان شرقی تأسیس کردند و در سال 1959 نیز ساخت مدرسه ی راهنمایی را شروع کرد. در سال 1960 اولین مدرسه دخترانه تأسیس شد و تا سال 1979، پنجاه و هشت مدرسه ی پسرانه و دخترانه با 25 هزار دانش آموز که با هزینه آرامکو تأمین شده بودند به وجود آمد. (21) تا سال 2004 بیش از 150 مدرسه برای شهروندان سعودی و متخصصین خارجی به وجود آمد (22)

علاوه ی بر امتیازات مختلف مانند دسترسی به خدمات درمانی و بهداشت، مسکن و حمل و نقل و حقوق خوب، کارگران آرامکو از احترام و جایگاه اجتماعی نیز برخوردار بودند و مشکلی در پیدا کردن همسر نداشتند چرا که خانواده های شیعه ترجیح می دادند دختران خود را به «کولی» بدهند؛ اصطلاحی که به مستخدمین آرامکو اطلاق می شد.

بر اساس گزارش سال 1968 شرکت آرامکو برای اغلب مستخدمین سعودی زندگی ای را که از همه ی وجوه آن شبیه زندگی غرب بود، تدارک دیده و آنها به وسایله ی وسایل مدرن حمل و نقل به سر کار خود می رفتند، به وسیله ی اخذ وام خانه می خریدند و شبها هم تلویزیون نگاه می کردند. (23)

با این وجو حقیقت این بود که کارگران شیعه زمانی ستون فقرات نیروی کاری آرامکو محسوب می شدند و این احساس را داشتند که منطقه و جامعه شان از دیگران عقب مانده تر می باشد.

منابع نفتی استان شرقی مانند گذشته توسط حکام سلطنتی در منطقه نجد به یغما برده می شد. شیعیان اقلیت بزرگ 40 درصدی را در استان شرقی تشکیل می دادند که مقامات رسمی آمریکا آنان را شهروندان درجه ی دوم در عربستان می نامیدند. آنان هزینه های مربوط به قیمت های پایین نفت در بازارهای جهانی، روابط بد با عراق و ایران و یک حکومت مستبد و خشن را در کشور خود می بردختند. (24)

رژیم سعودی مرتباً ادعا می کرد که به شرکت آرامکو یارانه می پردازد تا تعداد زیادی از شیعیان را استخدام کند. با این وجود واقعیت این بود که دولت و شرکت آرامکو به تعداد زیادی از مردم بومی برای نیروی کار در این منطقه نیاز داشتند تا صنایع نفتی را راه اندازی کنند. در واقع این نیاز دولت بود که به سمت شیعیان رو کرد نه اینکه این موضوع حاصل تغییر نگرش دولت نسبت



به شیعیان باشد. با این وجود طرح های توسعه دارای تأثیرات عمیقی بر روی جمعیت سعودی بود. روند شهرنشینی باعث شد تا تغییرات عمده ی اجتماعی به وجود آید. حاکمان سعودی روند شهرنشینی را به نوعی یک تهدید در مقابل خود می یافتند. شهرنشینیان به دلیل بالا رفتن سطح آموزش، گسترش ارتباطات و صنعتی شدن - که همه حاصل روند مدرنیزاسیون بود- از لحاظ سیاسی هم فعال می شدند. اولین ثمره این روند در زمان شاه سعود بود که آشوبهای شهری اتفاق افتاد، وی معتقد بود: «اصلی ترین مشکل و منبع بحران شهرها هستند چرا که مردم تحصیل کرده در آنجا حضور دارند.» (26)

در عربستان سعودی همین که مردم در معرض روند نو گرایی قرار گرفتند و تحصیلات عالی را تجربه کردند، خود به خود سیاسی می شوند. علیرغم تلاشهای دولت در ممانعت از روند سیاسی شدن جامعه اما مردم به تدریج خود را آماده فعالیتهای سیاسی می کردند. آنها که از روند رشد و توسعه اقتصادی در کشور آگاهی داشتند به مقایسه وضعیت خود با سایر گروهها پرداخت و با مقایسه متوجه می شوند که در کشور شکاف عمیقی بین فقرا و ثروتمندان وجود دارد. خانواده سلطنتی و نزدیکان آنان یک دریا با دیگران فاصله دارند و بین شیعه و سنی در کشورشان و دنیای خارج - به ویژه با آمریکا و کشورهای غربی - شکاف بسیار عمیقی وجود دارد.

شیعیان در استان نفتی شرقی تحت تأثیر عوامل مختلف سیاسی و فکری بودند. به خصوص که با مهاجرین مختلفی که از اقصا نقاط دنیا می آمدند، آشنا می شدند. بنابر برخی آمار ارایه شده در سال 1975 که آمار محافظه کارانه ای نیز محسوب می شود، حدود 314000 مهاجر غیر سعودی وارد کشور شده بودند (27) که تا آخر سال 2000 این تعداد به هفت میلیون نفر رسید. (28)

تحصیلات مدرن نیز بر شیعیان تأثیر گذار بود و آنان را تشویق کرد تا نسبت به شاخه های پیشرفت در سایر مناطق کشور و دنیا حساس شوند. کمبود معلم در نظام آموزشی باعث شد تا تعداد زیادی از معلمین از اقصی نقاط کشورهای عربی از جمله مصر، فلسطین، اردن، سوریه، عراق، سودان، به سعودی بیایند که برخی نیز از گروه ها و احزاب سیاسی مانند ساف و اخوان المسلمین بودند.

ادبیات سیاسی این گروه ها وارد مرزهای سیاسی کشور شد و در میان مردم متداول گردید که به نوبه ی خود در ارتقای آگاهی مردم سعودی نقش مهمی ایفا نمود. (29) بدون شک نوشته های سید قطب، حسن البناء فتحی یاکون و زینب الغزالی به افزایش آگاهی سیاسی و اجتماعی در میان شیعیان استان شرقی کمک شایان توجهی کرد.

### تأثیرات انقلاب اسلامی ایران

شاهدان وقایع سعودی معتقدند که شیعیان استان شرقی نسبت به امام خمینی (ره) با دیده ی احترام می نگریستند و به خواسته او مبنی بر ساقط کردن شاه سعودی نیز به طور مثبت پاسخگو شدند. (30) بدون شک انقلاب اسلامی ایران پدیده ای است که بر همه ی جهان اسلام تأثیر گزار بود، اما به ویژه برای شیعیان جلوه ویژه ای داشت. وقوع تظاهرات و اعتراضات گسترده در ایران سال 1978 باعث شد تا شیعیان عربستان سعودی و سایر مناطق و کشورهای در جهان اسلام به شدت تحریک شوند. این انقلاب به آنها احساس قدرت و اطمینان به نفس می بخشید؛ احساسی که پیش از آن وجود نداشت و در نتیجه این و در نتیجه این شجاعت را می یافتند که قیام نموده و در منظر عمومی خواسته های خود را مطرح کنند. (31) در واقع انقلاب ایران آگاهی جدیدی را در بین شیعیان آفرید و مدلی را برای رفتارهای آینده آنان

به وجود آورد. (32) علاوه بر آن اینکه فضای جدیدی شکل می گرفت که در آن اپوزیسیون شیعه اقدامات را شتاب می داد.

### جنبش سال 1979

قبل از شورش نوامبر 1979 موقعیت اجتماعی و سازمانی MVM بسیار قدرتمند و عمیقاً سازمان یافته بود. این جنبش از حمایت‌های عمومی برخوردار بود و شیعیان نیز با تمام توان از آن پیروی می کردند. به این ترتیب MVM توانسته بود بر محافظه کارانی که اعتقاد به سکوت و انزوا داشتند فائق آید و جامعه شیعه را در گیر امور سیاسی و اجتماعی کشور کند.

از آنجایی که احزاب سیاسی به طور رسمی در کشور تحریم شده بودند (34) خواسته های سیاسی در بخش‌هایی امکان تجلی می یافت که در ارتباط مستقیم با سیاست نبودند. همانطوریکه دیوید ایستون معتقد است، «تقاضاها بین بخش‌های سیاسی و غیر سیاسی زندگی پل می زنند». (35) بنابر این مساجد و حسینیه ها - یعنی نهادهایی که سیاسی محسوب نمی شوند - می توانند به عنوان پایگاه هایی باشند که تعداد زیادی از مردم را در زمانهایی مشخص برای تامین اهداف ویژه ای دور هم جمع می کند. این نهادها توسط دولت‌ها کنترل نمی شوند چرا که به طور سنتی توسط شیعیان هزینه های آنها پرداخت می شود و به این ترتیب نظارت و کنترل دولت بر روی آنها مشکل خواهد بود.

مساجد و حسینیه ها به پایگاه انتقال ایدئولوژی ها و دیدگاه های سیاسی شیعیان تبدیل شده بود بنابر این جای تعجب نیست که اپوزیسیون شیعه در مراکز بسیج می شد که در آن ساختارهای مذهبی و یا نهادهای دولتی دارای کنترل نبودند.

تا زمان وقوع انقلاب اسلامی در ایران مساجد شیعیان و حسینیه ها دارای نقش سیاسی نبودند. برای بسیاری از شیعیان این نهادهای سنتی تجسم وحدت اجتماعی محسوب می شد. پس از 1979 مساجد و حسینیه ها مانند گذشته وجود داشتند اما نقش آنها به شکل عمده ای تغییر یافت و به محلی برای فعالیت‌های سیاسی مذهبی تبدیل شد. بعلاوه مرجعیت شیعه به وسیله ی گرایش‌های سیاسی خود تعریف شد، تا آنجا که شخصیت شان نیز وابسته به میزان فعالیت‌های سیاسی شان شد.

در خلال برگزاری مراسم عاشورا، حسینیه ها به مراکز تجمع شیعیان مبدل شد که در آنها با سخنان پرشور شیخ حسن الصفار و سایر وعاظ وابسته به MVM مانند شیخ فوزی السیف تظاهرات مردمی بر پا می شد. در خلال دهه اول محرم در نوامبر 1979، رهبر سازمان انقلاب اسلامی شیخ حسن الصفار به ارایه ی یک اسلام شیعه انقلابی پرداخت که شیعیان استان شرقی نسبت به آن آگاهی نداشتند. الصفار، یک خطیب مخاطب شناس زبردست بود که به خوبی می دانست چگونه مردم را بسیج کند. او خطابه های خود را به برخورد با موانع روانی فراسوی فعالیت شیعیان اختصاص می داد. وی ترس را عامل اصلی رخوت و سستی در جامعه شیعه معرفی می کرد. او می گوید این ترس گسترده است که روح و جان شیعیان را خسته و فرسوده می سازد و مانع می شود که انرژی و توان مردم رها شود و این موضوع بیماری اصلی است که اکثریت جامعه ی ما از آن رنج می برد. به نظر وی شیعه به طور گسترده ای از همه چیز می هراسد - از شکست، از خستگی از درد، از دولت و از مراکز قدرت از آینده، از مرگ - این پدیده بر همه جامعه مسلط شده است و به مستبدین اجازه داده است که به سیاست سرکوب خود ادامه دهند و به استعمار توده ها بپردازند. (36) اگر چه او می فهمد که این ترس ذاتی همه بشر است اما معتقد است که می توان با این ترس مقابله کرد و می توان ترس خدا را جانشین آن کرد که در آن باید به شرایع الهی متعهد و پایبند شد و از افعال حرام اجتناب نمود

و به سمت افعال خیر قدم برداشت.

در ضمن پای بندی به شرع مستلزم اجرای قوانین و ارزشهای الهی و باز پس راندن ارزشهای نادرست و غلط شیطان‌ی می باشد. انسانهای دارای رسالت آنانی هستند که ترس راستین الهی در قلبهایشان خانه کرده است؛ و بنابر این به سمت مسئولیت الهی و احقاق حقوق آزادی و پیشرفت واقعی گام برمی دارند. (37) مردمی که توسط مستبدین و دولتهای مترسک مورد ظلم واقع شده اند باید فوراً وارد عمل شوند. از چنگال ستم چنین قدرتهایی رهایی یابند، قدرتهایی که منشأ ترسهای اشاره شده ی مردمند. به انتظار نشستن برای خطری که در راه است بدتر از خود خطر است. پس نباید لحظه ای را نیز به انتظار نشست بلکه باید با تمام انرژی به کانون خطر حمله کرد. (38) همچنین الصفار از نظام آموزشی جامعه شیعه در استان شرقی انتقاد نمود، چرا که وی معتقد بود این نظام باعث بهره کشی از شیعیان می شود. ترس از دولت مردم را ترسو و شکننده بار آورده است. (39)

در ارتباط با پدیده ی مرگ، الصفار این سوال را مطرح می کند که اگر مرگ امری اجتناب ناپذیر است پس چرا اجازه دهیم که مرگ به ما حمله کند.

استدلال وی این است که هر کس که ابداع را در دست بگیرد و خود به مرگ حمله نماید به اهداف راستین زندگی و آخرت نایل می شود. وی بدون واهمه خود را در راه اهداف و ارزشهای الهی وقف می کند تا از ایمان به خاطر خداوند دفاع کند. (40) با این شعرها و ایده های بسیج کننده، وی امیدوار است تا بتواند به تهییج شیعه پردازد و آنها را در راه اعتراضات سیاسی تحریک کند.

در غروب روز ششم محرم سال 1400 قمری مصادف با 25 نوامبر 1979 شیعیان در قسمتهای مختلف القطیف و الحساء پس از وعظ سخنرانی مثل شیخ حسن الصفار به خیابانها ریختند. عزاداران شیعه تصمیم گرفتند که به شکل عمومی مراسم عاشورا در خیابانها برگزار کنند که عملاً به یک اعتراض سیاسی مبدل شد و در نهایت گارد ملی دخالت نمود. همانطوری که مراسم محرم به اوج خود رسید شیعیان تصمیم گرفتند مراسم مربوط به شهادت عباس علیه السلام برادر امام حسین علیه السلام و علی اکبر علیه السلام پسر امام حسین علیه السلام را عمومی برگزار کنند و در اینجا بود که شور و عواطف مذهبی به اوج خود رسید.

وعاظ وابسته به MVM از حسینییه ها برای بسیج شیعیان منطقه استفاده کردند و به این ترتیب تحریم رسمی دولتی برای برپایی مراسم علنی محرم را به چالش کشاندند تا اراده و تصمیم خود را برای پایان بخشیدن به تحریم دولتی نشان دهند. در بعد از ظهر 7 محرم (26 نوامبر) شیعیان مراسم عزاداری سنتی خود را برگزار کردند که در نهایت حدود هفتاد هزار نفر از شیعیان از نقاط مختلف منطقه در آن مشارکت کردند. مراسمی که فوراً به برخوردهای خشونت آمیز بین نیروهای امنیتی مستقر در منطقه تبدیل شد. به محض اینکه نیروهای پلیس و گارد ملی مداخله کردند تا مردمی که در مراسم عاشورا در القطیف در روز 28 نوامبر شرکت کرده بودند را متفرق کنند، شیعیان تصمیم گرفتند که تسلیم نشوند و مقاومت کنند به این ترتیب نا آرامی و شورش در سراسر منطقه ی القطیف و الحساء منتشر شد.

مقامات سعودی که از جنبش جوهایمان در مکه ترسیده بودند، از شورشهای استان شرقی بیشتر مضطرب شدند. در نتیجه بیست هزار نیروی گارد ملی به منطقه اعزام شدند تا جنبش را سرکوب کنند. تظاهرات به مدت پنج روز ادامه یافت و تلاشهای پلیس و نخبگان برای توقف آن جواب نداد. وقتی گارد ملی در شهر القطیف بر روی تظاهر کنندگان آتش گشود، شیعیان سایر شهرها و مناطق به خیابانها ریختند و مصمم شدند تا خشم و حمایت خود را نشان دهند و هر

چه جدی تر تقاضاهای خود را مطرح کنند.

در روزهای نهم و دهم محرم منطقه ی القطیف کاملاً بسته شد و به این ترتیب آمار کشته شدگان توسط نیروهای امنیتی هر چه بیشتر افزایش یافت. شیعیان در شعارهای خود خواهان آزادیها و حقوق برابر با همتایان سنی خود شدند. شعار آنها شامل این موارد بود: نه شیعه، نه سنی فقط وحدت اسلامی و اینکه هویت قومی - مذهبی شان به رسمیت شناخته شود. آنها می گفتند ما شیعه ی جعفری مذهبیم. .. آنچه که می خواهیم صرفاً آزادی است. و اینکه دین پیامبر عاری از تبعیض است. (41)

گارد ملی 20 نفر را کشت و بیش از صد نفر را مجروح کرد. 4 نفر از کشته شدگان بین سنین 17 تا 19 سال بودند هفت نفر بین بیست تا سی سال، سه نفر بین 30 تا 40 سال و یک نفر هم شصت ساله بود. 80 نفر دانش آموزان دبیرستانی بودند، هشت نفر کار آزاد داشتند و یک نفر معلم بود و یک نفر یک زن و دونفر نیز کارگران شرکت آرامکو بودند. (42)

در یک واکنش برای جلوگیری از گسترش آشوب در مناطق شیعه نشین، رژیم سعودی فوراً سرمایه گذاری زیادی را صرف ساختارهای اقتصادی، نظام آموزشی و سایر خدمات محلی می کند. تغییرات بسیار زیادی در طول مدت کوتاهی بین سالهای 1980 تا 1985 انجام شد. جاده ها آسفالت شد مدارس و بیمارستانها ساخته شد، زمین بین مردم توزیع شد و وامهای مختلف توزیع گردید و یک سیستم فاضلاب ساخته شد و مراکز خرید افتتاح شدند.

اما هدف دولت تنها برقراری مجدد کنترل بر مناطقی بود که مملو از چاه های نفتی بود. سیاستهای تبعیض آمیز علیه شیعیان متوقف شد اما شکل آن عوض شد. در تلاش برای تسلط بر اوضاع این مناطق دولت سعودی سیاست بسیار سختی را علیه فعالین جنبش شیعه اتخاذ نمود. هزینه های میلیارد دلاری رژیم سعودی در سالهای پس از شورش شیعیان، تأثیر بسیار زیادی بر نگرش شیعیان نسبت به رژیم سعودی داشت. با این وجود این ادعا که شیعیان نسبت به تأثیرات انقلاب ایران به خاطر هزینه های اقتصادی دولت مصون شدند، نمی تواند ادعای درستی باشد. (43) چرا که تبعیض های مذهبی، انزوای سیاسی و حاشیه نشینی فرهنگی هنوز باعث تهییج نارضایتی بین شیعیان سعودی می شد.

شورشهای خود جوش شیعیان که به قول شیخ الصفار فوق تصور بود به نقطه ی محوری تاریخ شیعیان سعودی مبدل شد. نارضایتی عمومی بسیار شدید بود. دولت سعودی در برابر وقوع این رخداد شوکه شده بود و سعی می کرد به هر وسیله ی ممکن قابل گسترش آن را بگیرد. از وعاظ و سخنرانان خواسته شد که از بیان جملات تحریک آمیز، که باعث تهییج احساسات مخاطبین شده و آنها را به شورش و آشوب می کشاند، دست بردارند. با این وجود شرایط به طور عمده ای تغییر یافت چرا که صدای تهران بخش عربی که در کنترل MVM بود، ساعتها برنامه ی برای استان شرقی پخش می کرد. این رادیو از شیعیان می خواست که به اعتراضات خود علیه رژیم سعودی ادامه دهند و آزادی های مذهبی و برقراری یک جمهوری اسلامی به شکل ایرانی را خواستار شوند.

جنبش انتفاضه ی شیعیان نمادی از سرکوبی بود که این جامعه از لحاظ تاریخی در معرض آن بود. (44) این حرکت دیدگاه شیعیان را مبنی بر اینکه گروهی محروم اجتماعی هستند را به دیدگاهی مبدل نمود که در مقابل سیاستهای تبعیض آمیز رژیم با مبارزه ایستادگی می کنند. در نوامبر 1980 نخبگان شیعه طی دادخواستی به شاه سابق محمد ابن عبدالعزیز سیاستهای تبعیض آمیز دولت علیه شیعیان را محکوم کردند. ما از بی رحمی ها و شقاوتها شاکی هستیم و خواهان توقف استمرار چنین سیاستهایی هستیم ما تا کنون نتایج مثبتی را کسب نکردیم و

تقاضاهای مطرح شده حداقل خواسته های ما را تشکیل می دهند. ما جامعه بی ریشه ای نیستیم و از لحاظ اخلاقی نیز ورشکسته نمی باشیم تا آن حد که هیچ کس در بین ما و نظام حکومتی قابل اعتماد نباشد. در این دادخواست بر دو موضوع تأکید شده بود اول تبعیض مذهبی مانند انکار نمودن حقوق مذهبی شیعیان، و دوم شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه شیعه که علیرغم تقاضاهای مکرر هیچ نتیجه مثبتی حاصل نشده بود. (45)

اصلی ترین تحولی که پس از انتفاضه شکل گرفت ایجاد سازمان انقلاب اسلامی در سال 1979 بود که فصل جدیدی در روابط بین شیعیان و دولت محسوب می شود. این سازمان IRO اصول سیاسی شیعیان را به وجود می آورد.

در کشورهای که به طور رسمی احزاب سیاسی، مجالس آزاد و بحث عمومی و یا انتقاد از وضع موجود تحریم می شود، شیعیان مجبور شدند تا خواسته های خود را از خارج کشور و با تأسیس دفاتر اپوزیسیون، مراکز رسانه ای و سازمان های حقوق بشر در ایران، لبنان، لندن و واشنگتن مطرح نمایند. رژیم سعودی اپوزیسیون شیعه را وادار می کند تا آلترناتیوهای سیاسی دیگری را پیدا کند و در نهایت این گونه بود که اعضای حرکت شیعه نتوانستند از درون کشور عمل کنند.

### فروپاشی اعضای IRO

جنبش انتفاضه به تشکیل جامعه ای از درون کمک کرد و بر هویت فرهنگی جامعه شیعه نیز تأکید کرد. این جنبش گروهی از کادر و رهبران خود را از مراکز پایین دست جامعه به بالا آورد. آنها در معرض انواع فعالیتهای سیاسی و مذهبی در داخل و خارج کشور قرار گرفتند که به آنها کمک کرد تا با روشهای اپوزیسیون آشنا شوند.

در کل، IRO دارای یک پایگاه شهری است که اعضای خود را عمدتاً از طبقه میانه ی پایین یا میانه انتخاب می نماید. در حالیکه اعضای رهبری IRO دارای مدارک تحصیلی دانشگاهی از خود سعودی یا آمریکا بودند و طرفداران زیادی را در بین دانش آموزان دبیرستانی و دانشجویان دانشگاه های، متخصصین جوان و کارگران نیمه ماهر آرامکو داشتند. سازمان، اعضای خود را از مساجد جذب می کرد یعنی جایی که قدرتشان از آنجا نشأت می گرفت.

با گرایش به سمت اسلام و ایجاد تعهد نسبت به فعالیتهای سیاسی و اجتماعی، اعضای IRO به این باور رسیده بودند که هدف نهایی آنان تحقق یک جامعه ی اسلامی است. این هدف در نوشته ها و فعالیتهایشان نهفته بود پس از مهاجرت رهبر و اعضای کمیته رهبری IRO تعداد زیادی از اعضا نیز در دهه ی 1980 به آنها پیوستند. به گفته سخنگوی IRO سه هزار نفر سرزمین مادری خود را ترک کردند و در تهران و دمشق به سازمان پیوستند. (46)

### ایدئولوژی سیاسی (1990-1980) IRO

قبل از انتفاضه، شاخه ی MVM در استان شرقی دارای یک ایدئولوژی و استراتژی مشخص و روشن سیاسی نبود. اگر چه در گفتمان روشنفکری این ایده مطرح می شد که جنبش شیعه در سراسر تاریخ اسلام جریان داشته است و بر تجارب جدید این جنبش مانند حرکت امام موسی صدر در لبنان، و انقلاب اسلامی ایران نیز تأکید می شد. در واقع هدف جنبش این بود که جامعه به مشارکت در فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی تشویق شود و از نفوذ افراد محافظه کار اجتناب نماید. در کل این MVM بود که بستر لازم را برای ایجاد انتفاضه ی 1979 فراهم آورد. در واکنش به پیروزی انقلاب اسلامی ایران در نوامبر 1979 جو سیاسی - روانی و اجتماعی منطقه به شکل عمده ای تغییر پیدا کرد، چرا که انقلاب اسلامی جاذبه سیاسی لازم را در بین

شیعیان منطقه و همه ی جهان اسلام فراهم می آورد. رهبران MVM در تلاش بودند تا با تأکید عمده بر انقلاب اسلامی نفوذ خود را در منطقه ی خلیج فارس گسترش دهند. در واقع پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ایجاد کننده ی یک فرصت طلایی بود تا پایگاه اجتماعی خود را تقویت نمایند و بر نقش رهبری انقلابی خود تأکید ورزند. در ضمن این انقلاب ارایه کننده فرصت دیگری برای منزوی ساختن اندیشه های محافظه کارانه و آرامش طلب در کشور را فراهم می آورد. به طور خلاصه MVM گروهی محسوب می شد که بیشترین فرصتها را از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به دست آورد تا با آن اهداف خود را پیش ببرد. ایدئولوژی سیاسی IRO را می توان با دو اصل اساسی فهم کرد: انقلاب اسلامی و جهان گرایی

### انقلاب اسلامی، موتور تغییر

در دهه ی 80 تا 90 نسبت به گذشته بسیار فعال تر شد و برای نسل جوان جذاب شد؛ نسل جوانی که در طول ده ها سال مجذوب اندیشه های سکولار بود بازگشت آنها به مذهب نشان دهنده کیفیت معنوی اثر گذاری شیعه بود. این نوع جدید شیعه به طرفدارانش فرصت می داد تا نارضایتی ها را در واژگان سیاسی مذهبی بیان کنند. این موضوع به خوبی در ایدئولوژی دستگاه شیعه درباره ی عدالت، برابری و حتی غیبت حضرت مهدی علیه السلام - که نماد زندگی ایده ال انسانهاست - به خوبی هویدا است. درباره ی زندگی پس از مرگ؛ شهادت سیمای ویژه شیعه است. برای برخی از فعالین شیعه، شیعه گرایی شکلی از شهادت است و شهادت دروازه ی ورود به بهشت.

میتوان گفت شیعه کلاسیک نمی توانست انقلاب باشد اما از آنجایی که ایده های شیعه به وسیله MVM دوباره تفسیر شد، راه را برای نیل به اهداف سیاسی باز نمود. بنا به نظر ماروین زونیس و دانیل برومبگ در شیعه گرایی قرائتها و دیدگاه های مختلفی وجود دارد که می تواند از انزواگرایی تا فعالیت انفجاری را شامل شود. (47) آنچه که حرکت انقلابی شیعه را زنده می کند ایجاد ارتباط با شرایط اقتصادی و اجتماعی است؛ در همین راستا استفاده از ادبیات شیعه برای ارایه راه حل در قبال مسایل موجود، آن را با اقبال مردمی مواجه می کند و باعث می شود از حالت انزواگرایی گذشته بیرون آمده و به موقعیت فعال سیاسی نیل شوند.

کمرنگ شدن معروفیت شیعیان سنت گرا منجر به ظهور و اهمیت یافتن نگرشها و گرایشهای شیعه انقلابی شد که آغاز آن دهه ی 1980 محسوب می شود و به تدریج تمام حیطه نظری شیعه را در بر گرفت. شیعیان سنتی که با انتقادات شدید سازمان انقلاب اسلامی (IRO) مواجه شدند بر عدم مداخله در امور سیاسی تأکید می کردند اما در مقابل IRO آنها را به عنوان «نیروهای مرتجع خطاب می کرد که در لباس مذهبی نمایان شده اند. الصفار می گوید: وقتی این مرتجعین موفقیتهای چشمگیر نیروهای انقلابی را دیده اند. به تکاپو افتاده و به دنبال این هستند که موقعیت اجتماعی خود را حفظ کنند. (48)

در دنیای عرب (به عنوان نمونه، لبنان، عراق و منطقه ی خلیج فارس) رهبران شیعه با اتخاذ شیوه های انقلابی با اقبال و پشتیبانی مردمی مواجه شدند. البته در این راستا تلاشهای تشکیلاتی سازمانهای شیعه برای طرح ایده ها و شعارها در بین مردم بسیار مؤثر بود و تقریباً همه گروه های سیاسی شیعه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، به دنبال تحقق هدف بنیادین خود یعنی تأسیس یک حکومت مبتنی بر آموزه های اسلام بودند. در این راستا به چنین سازمانهایی برای پیروزی انقلاب، استناد می کردند.

در مقام عمل، انقلاب ایران در سالهای 79-1978 ثابت کرد که هنوز دین در دنیای معاصر می



تواند به طور مؤثری قدرت آفرین باشد. در این راستا متخصصین و نظریه پردازان نوگرایی و تئوریهای توسعه مجبور شدند تا فرضیه ها و نظرات خود را باز نگری کنند. نظراتی که در آنها مدعی شده بودند صنعتی شدن، شهر نشینی و توسعه آموزش باعث کاهش اهمیت مذهب می شود. بر عکس اقصی نقاط جهان توسعه سریع جوامع در زمینه های گوناگون باعث گرایش هرچه بیشتر مردم به سمت دین و مذهب شده است. بنا به نظر الیور روی، مدرنیزاسیون هم باعث زایش سکولار و هم احیای اسلام می شود. (49)

تأسیس IRO در پایان برنامه ی اول توسعه به عنوان نشانه ی مهمی از تغییر در آگاهی سیاسی شیعه محسوب می شود چرا که نشان می داد سازمان حمایتی برای بسیج سیاسی شیعیان و حمایت از تقاضاهایشان ضروری است. در واقع، پیدایش IRO تمایزی را بین دو گرایش موجود در شیعیان استان شرقی ایجاد نمود: محافظه کاران یا سنتی و انقلابی.

MVM که به شدت تحت تأثیر ادبیات و تجارب جنبش فلسطین و انقلاب اسلامی ایران بود به طور جدی به دنبال ایجاد یک تغییر انقلابی افتاد. بر خلاف مارکس، نظریه پردازان MVM معتقدند که نقطه ی عطف تاریخ بشر منوط به جنبشهای انقلابی است. البته جنبشهایی که صرفاً از آن یک طبقه یا یک گروه نیست ( مثل طبقه ی کشاورزان، کارگران یا پرولتاریا) بلکه جنبشی است که برخاسته از کل جامعه می باشد. همچنین ادعا می کنند که هدف انقلاب صرفاً تغییر روش تولید نیست بلکه ایجاد ساختار جدیدی از ارزشها، تفکرات و نظم اجتماعی و دولت است. هدف اصلی انقلاب برگشت انسانیت به جامعه ی بشری است. هدف انقلاب احیای اطمینان و آرامش به بشریت است. انقلاب می خواهد پیام آور این موضوع باشد که ای انسانها شما می توانید به جلو حرکت کنید. مستبدین یا طاغوتها در صدند که شما را ضعیف و شکننده کنند و این هدف را از طرق گوناگون مانند زور و ارباب متحقق می کنند. (50) بنابر این انقلاب در اسلام به دنبال حذف همه منابع ضعف است، (51) و این هدف متعالی را نیز داراست که علم و ایمان را با هم بیامیزد. (52)

به نظر می رسد MVM به نوعی متعهد به این شعار مارکسیستهاست که انقلاب «لوکوموتیو تاریخ» است. شعار MVM در دهه ی هشتاد انقلاب در همه زمینه ها بود که در ادبیات سیاسی مربوط به خوبی مطرح می شد. بنا به گفته ی شیخ حسن الصفار، انقلاب اسلامی وظیفه ی دینی همه ی مسلمانان است. (53) در واقع این انقلاب بر علیه ارتجاع، سرکوب و استبداد است. (54) هر مؤمن آگاهی باید که احساس مسئولیت دینی داشته باشد.

برای انجام مناسب این رسالت، الصفار معتقد است که شیعه باید سازمان پیچیده ای را طراحی کند که دارای رهبر، یک راهبرد روشن و کانالهای مرکزی مناسب برای اجرای فرمول انقلابی است. یک تشکیلات منسجم انقلابی تنها موتور مؤثر برای مقابله با رژیمهای مستبد سرکوبگر است (56)

بنابر این محور اساسی تفکر این است که مسلمانان باید در مقابل سرکوب و فساد ایستادگی کنند. در ظاهر، هدف الصفار این بود که دیدگاه پرجوش و احساس، جدید شیعه را در جامعه ترویج دهد؛ که این دیدگاه مبتنی بر انقلاب است. اما سوال مهم این است که چه زمانی MVM یک دیدگاه انقلابی را اتخاذ نمود؟

بطور کلی، ناظران سیاسی و اندیشمندان معتقدند که حرکتهای اسلامگرا در نیمه دوم قرن بیستم اراده کرده بودند تا در یک راهبرد کلان به وسیله سرنگونی دولتها قدرت سیاسی را تصاحب نموده و دولت اسلامی را جایگزین آن کنند از این نظر اولیور روی معتقد است که اسلام گرایان انقلابی هستند. (57) البته این نظریه بیشتر مبتنی بر رخدادهای ایران و مصر است و



چندان حاصل یک برداشت خالص از راهبردهای موجود در این جنبشها نمی باشد. در واقع بسیاری از جنبشهای اسلامی معتقدند که روند اسلام گرایی باید از پایین به بالا و نه از بالا به پایین تحقق یابد. (68) تقریباً همه جنبشهای اسلامی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران راهبرد گام به گام را اتخاذ کردند. این جنبشها شامل اخوان المسلمین، حزب التحریر حزب الدعوه الاسلامی و MVM می باشد. به جز حزب التحریر که گفته می شد از سالهای 1965 به دنبال تصاحب قدرت در عراق و اردن و برخی کشورهای دیگر است، (59) بقیه جنبشهای اشاره شده فعالیت خود را صرفاً به ابلاغ پیام اسلامی محدود می کردند و چندان در صدد مداخله اسلامی و اجتماعی نبودند. (60)

ادبیات مربوط به این جنبشها نشان می دهد که هدف کلی تحقق امت اسلامی بود و چنین امتی متحقق نمی شود مگر اینکه اعضای جامعه خود را مقید به قوانین الهی کنند. این موضوع نیازمند یک استراتژی بلند مدت است که به ریشه ها بپردازد تا جامعه ی مطلوب متحقق شود و دستگاه سیاسی مورد نظر هم تأسیس شود.

اگر چه اکثریت جنبشهای اسلامی در دو دهه 1960 و 1970 معتقد بودند که حکومتهای جوامع آنها ضد اسلامی هستند چرا که از قوانین شرع متابعت نمی نمایند، اما در عین حال سعی نمی کردند که چنین رژیمهایی را سرنگون کرده و آن را با یک حکومت اسلامی تغییر دهند. با این وجود پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تغییری عمده در گفتمان جنبشهای اسلامی نسبت به اتخاذ یک گزینه ی انقلابی به وجود آمد.

در ادبیات MVM در سالهای شکل گیری جنبش واژه ی انقلابی به گروه های چپ افراطی اطلاق می شود که به استفاده از خشونت به عنوان ابزاری جهت انجام تغییر می نگرند. با سپری شدن زمان و آن طوری که جنبش در معرض مکاتب فکری مختلف و تجارب سیاسی گوناگون در ایران، مصر و فلسطین قرار گرفت این واژه دارای حساسیت کمتری شد و کم کم به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ادبیات گروه ها و جنبشهای اسلامی به عنوان یک اصطلاح سیاسی - مذهبی ادغام شد. این در حالی بود که اتخاذ سیاست گام به گام به عنوان یک گزینه مطلوب، دیگر مطرح نبود. تمایزی بین حزب الدعوه و MVM ایجاد شد؛ حزب الدعوه از سیاست گام به گام دفاع می کرد در حالیکه MVM از انقلاب ناگهانی حمایت می نمود.

محمد تقی مدرسی مغز متفکر ایدئولوژی انقلابی که به دنبال ایجاد یک حکومت اسلامی نه تنها در عراق بلکه در جهان اسلام بود. نقش MVM در جامعه شیعه در عراق و در منطقه ی خلیج فارس و مبارزه ای که علیه جریان قدرت داشتند، باعث شد تا موجی از آشوب در این اماکن شکل بگیرد. MVM به طور کلی دارای تأثیر مهمی بر نظامهای سیاسی و بافت اجتماعی جمعیت شیعه خلیج فارس بود ادبیات ادبیات MVM و IRO دو شکل تغییر اجتماعی و سیاسی را مشخص می کند: تکاملی و انقلابی. تغییر تکاملی به معنای روند تحول تدریجی و صلح آمیز اجتماعی است که در نهایت به تغییر دولت می انجامد. این تغییر می بایست که از طریق استفاده از نهادهای موجود مانند سندیکاها، مجالس قانونگذاری، مطبوعات و غیره تحقق یابد. تغییر انقلابی به معنای تغییر عمده در افراد و ارزشها و ساختار سیاسی و اجتماعی است. چنین تغییراتی باید با تمسک به هر وسیله ی ممکن انجام شود. چرا که صلح آمیز یا خشونت بار بودن آن بستگی به آن دارد که تا چه میزان این ابزارها می توانند اهداف انقلابی را محقق سازند. (62) هم MVM و هم IRO روشهای تدریجی و تکاملی را رد کردند. در یک بروشور بسیار مهم بر اساس راهبردهای متخذه بین پنج نوع از انواع حرکتها ی اسلامی تمایز ایجاد شد. این راهبردها عبارتند از: آنهایی که دارای انگیزه سیاسی هستند (مانند جمال الدین افغانی)،

آنهایی که دارای انگیزه های روشنفکرانه هستند (مانند شیخ محمد عبده و محمد اقبال و ندوه العلماء) آنهایی که نظامی محورند (مانند فداییان اسلام در ایران و الجزایر، و شاخه ای از اخوان المسلمین)، آنهایی که رسالت محورند (مانند اخوان المسلمین و یا جماعت اسلامی) و آنهایی که مومن محورند.

MVM دارای راهبرد جامع برای ایجاد تغییر فکری، نظامی، سیاسی و مدنی در همه ی ابعاد اجتماعی است. این نظریه مبتنی بر این است که اسلام «پیامی» است که با خود انقلابی جهانی را به همراه دارد. (63) بنا بر نظر الصفار: انقلاب یک پروژه تمدنی جامع است و مقابله با دولتها وجه اجتناب ناپذیر آن محسوب می شود. (64) در ضمن MVM تمایزی را بین رفرم و انقلاب قایل می شود. در حالیکه رفرم یک روند تدریجی هم در زمینه های مادی و هم زمینه های معنوی بشریت است، اما انقلاب پدیده ی غیر قابل تکرار بشری است. (65)

بر اساس موارد توضیح داده شده در یک بروشور، IRO رفرم تدریجی را مردود می داند چرا که مدافعان این نظریه نیازهای واقعی و فوری امت اسلامی را تشخیص نمی دهند و نمی فهمند که جامعه اسلامی به تغییری بنیادین و اساسی و همه جانبه نیازمند است. (66) اگر این موضوع درست باشد، شرایط و موقعیت هایی که می تواند به یک انقلاب دیگر در عراق و یا سایر نقاط دنیا منجر شود، چیست؟ مدرسی معتقد است که هر انقلابی به چهار شرط بنیادین نیازمند است.

. انحراف روشن جامعه از اسلام

. اطلاع عمیق از این انحراف

. تصمیمی جدی برای تغییر

. راهبردی برای تحقق این تصمیمات. (67)

از دیدگاه مدرسی؛ این چهار شرط وجود دارند. اگر چه موفقیت انقلاب وابسته به چهار موضوع اصلی است: حمایت مالی، تفکر همراه با رسالت و مسئولیت رهبر و پیش قراول مسئول و همچنین توده های پشتیبان و حمایت کننده. (68) بنابر این او نتیجه می گیرد که برای ما مسلمانان اکنون بهترین زمان در تاریخ جهت انجام یک انقلاب است. (69)

IRO معتقد است که انقلاب در نهادهای مذهبی مدارس دینی و دانشگاه ها مساجد و مراکز اسلامی ریشه دارد و علمای دین پیشقراولان جامعه هستند که دارای نقش رهبری درانقلاب و تغییر در جامعه هستند. (70) بنابر این انقلاب همیشه به همراه خشونت نیست اما یک فرایند چند بعدی است. خطر انحراف توده های مردم امری ممکن است، مگر اینکه یک جهاد فکری و فرهنگی نیز صورت بگیرد و ذهن مردم نسبت به قضایا روشن شود. (71)

اما به نظر می رسد که این نظریه با اصول بنیادین تفکر و ایدئولوژی انقلابی MVM در تضاد است چرا که برای آنها انقلاب همراه با خشونت است. بر اساس یک نوشته: انقلاب دگرگون سازی ریشه ای و بنیادین یک ساختار غلط است که با تکیه بر خشونت و شورش صورت می گیرد. (72) همچنین با نظریه ی بیان شده ی IRO که «خشونت، ابزاری جهت تغییر واقعیتها نادرست است» نیز دارای مغایرت است. (73)

برای نظریه پردازان MVM چنین تعاریفی در مقام عمل، دارای ارزش واقعی نبود. در تحلیل نهایی، انقلاب دارای شرایط گوناگون و پیچیده ای است و بستگی دارد که در چه منطقه، جامعه و گروهی در حال تکوین و انجام است. به نظر الصفار انقلاب در مقابل سنتها آداب و رسوم مستقر و واقعیتها مشکل دار اجتماعی شکل می گیرد. (74) از این نظر، یک وجه عمده ی انقلاب وجه فرهنگی آن است. از نظر الصفار، جنبش اسلامی باید که خلأ فرهنگی جامعه را پر

کند. این اشتیاق برای پر کردن خلأ فرهنگی جامعه نیازمند مطالعه و شناخت دقیق ابعاد مختلف اسلام است به ویژه آن قسمتهایی از اسلام که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. (75)

با این وجود انقلاب آنگونه که در ادبیات MVM ارایه شده است در واقع به معنای سرنگونی رژیم تلقی شده است. اتخاذ یک ایدئولوژی انقلابی به وسیله IRO حداقل به عنوان یک رهیافت فکری به معنای تعهد نسبت به سرنگونی رژیم سعودی و جانشینی آن با یک حکومت اسلامی بود. اگر چه ایدئولوژی انقلابی به عنوان یک نیروی بسیج کننده در دهه ی 1980 محسوب می شد اما رهبران IRO استدلال می کردند که:

ایده های انقلابی تبلیغ شده به وسیله ی IRO به عنوان یک دستور العمل صلح آمیز در تقابل با رژیم مورد بهره برداری قرار می گرفت که در آن صرفاً از روشهای ژورنالیستی و سیاسی مانند راهپیمایی، تظاهرات، چاپ کتاب، مجله، بروشور و در نهایت نوشتن شعار علیه رژیم بر روی دیوارها استفاده می شد. (76)

با این وجود این دیدگاه منعکس کننده ی استراتژی بنیادین MVM نبود که مانند گذشته از یک گزینه ی انقلابی دفاع می کرد. فرصت تنها در یک اقدام انقلابی دیده می شد که می توانست به بسیج توده های مردم پردازد و در این راستا طرح شعارها به عنوان اصلی ترین وسیله محسوب می شد. با این وجود باید خاطر نشان کرد که IRO اعمال خشونت علیه رژیم سعودی را تحریم کرد زیرا معتقد بود شیعیان برای چنین مرحله ای دارای آمادگی نیستند. (77) ولی در عین حال خشونت انقلابی به عنوان گزینه ی برتر MVM پس از انقلاب اسلامی مطرح شد و شیعیان سایر مناطق نیز به این روش روی آوردند؛ با این اعتقاد که اسلام از طریق انقلاب می تواند به قدرت نایل شود.

اتخاذ ایدئولوژی انقلابی در تقابل با بحث «گیرتز» است که آن را در تئوری منفعت مطرح می کند. وی بر این اعتقاد است که ایدئولوژی تبدیل به ماسک و اسلحه می شود. (78) ایدئولوژی انقلابی برای IRO بر اساس ایمان و اعتقاد نیست بلکه وسیله ای برای بسیج توده ها و دنباله جویی قدرت است. همانطوریکه گفته می شود تناقض بین مردم و دولت بدون حذف دولت فاسد امکان پذیر است. (79) این یک تلاش آشکار توسط IRO است تا خواست خود را مبنی بر سرنگون سازی رژیم نامشروع آل سعود توجیه کند. اگر چه ایدئولوژی MVM در ارتباط با همه ی وجوه زندگی مسلمانان است اما اختلاف خیلی روشنی بین شاخه های مختلف جنبش وجود دارد که منعکس کننده ی واقعیتهای قومی، ملی، فرهنگی و سیاسی است. با این وجود این تنوع نمی تواند جایگاه مناسبی تا اواخر دهه ی 80 پیدا کند، یعنی تا زمانی که IRO فاقد نقش مستقلی در شیعیان MVM بود.

### شهادت، یک اسلحه انقلابی

محور ایدئولوژی انقلابی IRO نظریه ی شهادت بود. فلسفه شهادت به دو منظور پیش بینی شده بود: به عنوان یک هدف اشتیاق مردان ارزشمندی که با ریختن خون خود آرمانها را حفظ می نمایند. اینار برای نیل به هدف از دردها و محنتها می کاهد. بنا به نظر دکتر شریعتی، اینار موتور محرکه ی زندگی است چرا که هیچ هدفی بدون تلاش و اینار در راه آن تحقق پیدا نمی کند از این منظر فعالین شیعه از مناسبت عاشورا برای تشویق مردم و دعوت آنان برای گذاشتن ازجان در راه اسلام دعوت کرده اند. (80) موفقیت انقلاب سلامی ایران باعث تشویق سایر شیعیان شد تا از انقلاب برای نیل به اهداف خود استفاده کنند.

اگر چه موضوع شهادت در بین مسلمانان به عنوان یک تفکر ارزشی دینی مطرح است اما در بین شیعیان به عنوان محوری ترین موضوع ایمان اسلامی عنوان می شود. شعار شیعیان این

است که «کل یوم عاشورا، کل ارض کربلا» که به موضوع شهادت امام حسین علیه السلام اشاره می کند.

شهادت امام حسین علیه السلام به ویژگی منحصر به فرد فعالین شیعه تبدیل می شود. در حسینییه ها بر از خود گذشتگی در ماه های محرم تأکید می گردد و اعتبار شهادت مانند گذشته به واقعه ی کربلا مرتبط می شود و کربلا مظهر تقابل بین مستضعفین و مستکبرین است.

MVM و IRO با تأثیر پذیری از انقلاب اسلامی ایران و نظریه پردازان از حمایت توده های مردم برخوردار شدند و خشم و نارضایتی آنان را به سمت رژیم سعودی هدایت نمودند الصغار از شهادت به عنوان اسلحه اساسی برای مقابله با رژیم سعودی یاد می کرد. او می گفت «شهادت یک اسلحه مهم است تا با آن توده های مردم علیه رژیمهای استبدادی به مبارزه برخیزند. شهادت دارای پتانسیل بسیار بالایی برای نابود سازی تاج مستکبران است.» (81) به عبارت دیگر ما هنوز دارای سلاح مهمی هستیم و آن هم سلاح شهادت است. (82)

### توده های انقلابی

در ادبیات MVM بر نقش توده های انقلابی تأکید زیادی می شود. مدرسی مدعی است که شکست اخوان المسلمین و حزب «ماشومی» در اندونزی به دلیل فقدان حضور توده های مردم است. به عبارت دیگر دلیل شکست آنها این واقعیت بود که چنین جنبش هایی نتوانستند به جنبش های مردمی تبدیل شوند و تنها خود را به هسته های تشکیلاتی محدود کردند نهضت اسلامی نیازمند آنست که تلاشهای خود را در سازماندهی توده های مردم چند برابر کند به نحوی که راه برای تحقق وقوع انقلاب هموار شود. (83)

IRO توجه زیادی نسبت به جوانان داشت و معتقد بود که آنها آمادگی زیادی برای استقبال از ایدئولوژی های گوناگون بدون توجه به منبع آن دارا هستند (84) و اگر آنها به یک نقش اجتماعی دست یابند هر چه بیشتر نسبت به نیازهای مردم در اجتماع آگاه می شوند و به این ترتیب نسبت به مذهب تعهد بیشتری پیدا می کنند. بنابرین بسیار حایز اهمیت است که جوانان در فعالیتهای اجتماعی نقش پیدا کنند تا نقش آنان نیز شکل لازم خود را پیدا کند. (85)

نوارهای صوتی، کتابچه و بروشورها هدفشان این بود که جوانان را در استان شرقی جذب نمایند. این مطالب عمدتاً درباره ی انتفاضه و به طور فزاینده ای در ارتباط با فعالیتهای سیاسی IRO در داخل و خارج کشور احساس می شد.

الصغار معتقد بود: دلیل دوری جستن جوانان از اسلام به دلیل این است که آنان با اسلام واقعی آشنا نشده اند. او معتقد است: اکثر جوانان ما از اصول و هنجارهای اسلام بی خبرند. آنچه که تنها آنان از اسلام سراغ دارند صرفاً عبادات است در حالی که جنبه های فکری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اسلام مورد فراموشی قرار گرفته است. (86) همچنین زنان نیز دارای نقش مهمی در انقلاب هستند. IRO به طور کلی با دو نوع از الگوی متضاد از زنان مخالفت می کرد. اول زنان محافظه کار، مرتجع و ساکت بودند که با ادای عصمت و حجاب در کنج خانه ها عزلت پیشه کرده بودند و نسبت به امور اجتماعی غفلت می ورزیدند. اینان غالباً خود را از مردان در درجه ی پایین تری می یافتند. دومین گروه، زنانی بودند که تحت تأثیر فرهنگ غربی بودند، کسانی که خود را از فعالیتهای خانوادگی و آموزشی کنار کشیده و به طور فزاینده ای در گیر خدمات عمومی و فعالیتهای سرگرم کننده می کردند. (87)

الگوی مورد نظر IRO زن رسالتی نامیده می شد که در آن زنان بر اساس فرهنگ راستین اسلامی عمل می کردند و در فعالیتهای اجتماعی نیز وارد می شدند. نظریه پردازان IRO برای زنان نقش مهم سیاسی و اجتماعی قایل بودند که صرفاً به اعمال مذهبی خلاصه نمی شد. از

زنان خواسته می شد تا به بسیج توده های مردم بپردازند. (88) بنابر این تغییر انقلابی به وسیله خشونت انقلابی با مشارکت توده ی مردم میسر می شود.

### جهانگرایی

بدون شک مفهوم امت یک محصول تاریخی است که در ارتباط تنگاتنگ با توسعه ی اسلام است. بنابر این جهانگرایی گرایشی است برای بازسازی ملت جهانی بر اساس زمینه های مذهبی که به وسیله ی آموزه های دینی و مذهبی دارای انگیزه شده است. پس از سقوط امپراطوری عثمانی در سال 1924 دیگر امت به عنوان یک واقعیت مذهبی و سیاسی وجود ندارد و این بهانه ای است تا جنبش های اسلامی احیا شده و برای احیای امت اسلامی به پا خیزند. گرایش جهان گرایانه ی رهبران MVM متفاوت از شعار امام خمینی (ره) درباره ی «مستضعفین جهان» است. همچنین شبیه دیدگاه های مارکس می باشد، آن زمان که وی از توده های تحت ستم می خواهد که انقلاب کنند. اگر چه چنین دیدگاه هایی عمیقاً در اندیشه رهبران MVM وجود داشت اما بدون شک وقوع انقلاب اسلامی ایران اهمیت هر چه بیشتری به این پیام داد. در این راستا لازم است که جوامع اسلامی با یکدیگر متحد شوند تا هرچه زودتر امت واحد اسلامی شکل گیرد. به علاوه، ادبیات MVM در خلال دهه 1980 نشان میدهد آنان معتقدند انقلاب اسلامی ایران باید جنبه ی جهانی پیدا کند. رهبران IRO معتقدند: «موقعیت انقلاب اسلامی منوط به تبدیل شدن آن به یک انقلاب جهانی است که در آن گروه های ضد امپریالیستی از همه اکناف دنیا می توانند مشارکت داشته باشند. تا بتوانند به تقاضاها و نیازهای مستضعفین جهان پاسخگو باشند». (89)

در پاسخ به ایده های امام خمینی (ره) الصفار مدعی است:

«... ما ذاتاً پاره ای از مستضعفین جهان هستیم در حالی که طواغیت. .. ذاتاً قسمتی از اردوگاه مستکبرین و استعمارگران هستند و جدال واقعی اکنون در بین این دو اردوگاه در جریان است. مبارزه ما علیه مستبدین چرخه ای از یک انقلاب جهانی است که بطور اجتناب ناپذیری نهایتاً به سرنگونی ابر قدرتها امپریالیست و به قدرت رسیدن مستضعفین منتهی خواهد شد». (90) تلفیق ایده ی وحدت اسلامی با خشونت انقلابی، نشان دهنده ی عنصر اخروی در شیعه است که در اندیشه غیبت امام دوازدهم نیز قابل مشاهده است کسی که خواهد آمد و ریشه ی استکبار را با انقلاب خود در دنیا خواهد کند.

در تضاد با تقسیم بندی کلاسیک شیعه از دنیا، نظریه پردازان MVM، مانند شریعتی، ایده ی خود را از دوگانگی در دنیا به شکل اکثریت مستضعفین و اقلیت مستکبرین ارایه می کنند و چندان تقسیم بندی دارالاسلام و دارالحرب را مرجع نمی دانند. (91) MVM این نظر را به افراطی ترین حالت خود تبدیل می کند و همه چیز را دوگانه می بیند: یعنی هر چیزی یا عدلانه یا ظالمانه است. این تقسیم بندی دنیا به دو اردوگاه به معنای انسانی کردن تنازعات جهانی و حل و فصل آنهاست. اگر چه فعالین MVM مانند همه شیعیان معتقدند تنها راه مقابله با استکبار، گردن نهادن مستکبرین به اسلام و شرایع آن است اما ابداع واژگانی مانند مستضعفین و مستکبرین در مقام مقایسه با مسلمانان و غیر مسلمانان، نشان دهنده ی حرکت از حوزه ی مذهبی به حوزه ی انسانی است. از این نظر، پیروزی انقلاب اسلامی انگیزه ای بود برای کسانی که خود را قربانیان دولت - کشورهای مدرن می دانستند و می خواستند که تمدن اسلامی را احیا کنند. بسیاری معتقد به پشتیبانی از آن جهانگرایی هستند که در امت اسلامی تجلی می یابد. یعنی ایدئولوژی که واقعیات فعلی در نظام بین الملل را به چالش می کشاند. بنابر این گرایش جهان گرایانه ی MVM مردود دانستن نظام دولت - کشوری

بود.

بر خلاف شرایط موجود در جهان، مدرسی ایده‌ی ناسیونالیسم را مبتنی بر آموزه‌های اسلامی ایمان و تقوای الهی نمی‌داند. (92) به همین دلیل، مدرسی مخالف جنبش‌های اسلامی است که خود را محدود به ایران یا منطقه‌ی مشخص می‌کنند بلکه اینان باید به دنبال یک جنبش اسلامی جهانی باشند. (93)

به منظور توجیه پدیده‌ی عمده‌تر سیاسی - مذهبی، IRO با مفهوم ملت - کشور به مخالفت می‌پردازد. این جنبش مدعی است که رژیم سعودی در صدد است تا اتحاد بین مسلمانان را از بین ببرد و به تفرقه دامن بزند. اتحادی که ممکن است باعث سرنگونی رژیم آنها شود. برای ایجاد تفرقه در امت اسلامی که یک هدف استعماری نیز بوده است، همواره سعی شده تا حواس مردم را از موضوعات اصلی منحرف نموده و به مسایل جزئی مشغول دارند تا آنان به فکر دشمن اصلی خود نباشند. (94)

IRO می‌کوشد تا خود را به انقلاب اسلامی ایران نزدیک کند. آن را انقلاب ما می‌نامند. .. و می‌گویند این انقلاب اسلام است که در ایران اتفاق افتاده است و فقط متعلق به ایرانیان نیست. (95) بعلاوه رهبر MVM معتقد است که انقلاب اسلامی ایران تنها از خاک ایران دفاع نمی‌کند بلکه از شرافت و حیثیت همه مسلمانان دفاع می‌نماید. (96) بنا به نظر مدرسی دلیل موضوع این است که انقلاب متعلق به یک شخص یک منطقه یا گروهی از مردم نیست. (97)

به نظر مدرسی، در صدور انقلاب باید از همه‌ی مسلمانان خواسته شود تا مانع گسترش غرب‌گرایی شوند و نگذارند مسلمانان به غرب وابسته شوند. (98)

تشخیص این هدف اصولی، بنا بر توضیح مدرسی نیازمند بالا بردن توانمندی مسلمانان و وحدت آنان، استقلال سیاسی و پیشرفت فن آوری می‌باشد. (99)

مدرسی معتقد است که انقلاب باید در خاک جامعه ریشه بدواند. انقلابی که خارج از خاک رشد کند در معرض طوفان قرار دارد و شکسته خواهد شد. (100) این نظر در خود پارادوکسی را نهفته دارد. در حالیکه MVM بر تبعیت از راه اسلام پافشاری دارد تا به این ترتیب امت دچار تفرقه نشود. اما در عین حال واقعیت‌های سیاسی موجود را نیز به رسمیت می‌شناسد؛ یعنی پدیده‌ی کشور را به عنوان جایی که انقلاب در آن رخ خواهد داد، به رسمیت می‌شناسد، پارادوکس این بحث در آنچه پایه‌ای برای جهانگرایی و بومی‌گرایی است فهمیده می‌شود. پی‌گیری مبحث، امت مشروعیت MVM را حفظ می‌کند ولی در عین حال به رسمیت شناختن واقعیت‌های سیاسی موجود راه را برای کسب قدرت هموار می‌نماید.

گرایش جهان‌گرایانه MVM نیز در ظرف زمانی خاصی به وجود آمد MVM پایگاه خود را به تدریج در ایران مستقر نمود اما در عین حال تلاش نمود که خود را از هرگونه نفوذ به دور نگه دارد. بنابر این قبول نمی‌کرد که با دولت ایران در زمینه مشخصی به اتحاد بپردازد و به طور مشترک طرح واحدی را به اجرا بگذارد. بلکه بیشتر به دنبال یک اتحاد جهانی بود که در آن گروه‌های آزادی‌بخش در سراسر دنیای اسلام با یکدیگر متحد شوند. از دیدگاه MVM اتکا به مردم باعث کسب استقلال جنبش خواهد شد و این مردمان که مسکن، پناهگاه، منابع و اسلحه را در اختیار جنبش خواهند گذاشت.

مفهوم جهان‌گرایی بیشتر برای شیعیان سعودی دارای جاذبه بود تا شیعیان بحرینی یا عراقی، شیعیان سعودی تقریباً در همه فعالیت‌های مربوط به MVM در قسمت‌های مختلف دنیا مشارکت می‌جستند. مضافاً اینکه تعداد زیادی از کسانی که در کودتای شکست خورده‌ی بحرین در



دسامبر 1982 شرکت کردند، از شیعیان سعودی بودند افراد دیگری در قاچاق مواد منفجره، کتابها، نامه های مخفیانه و غیره به عراق و بحرین مشارکت جستند. از طرف دیگر، IRO انحصاراً عضویت خود را در عربستان تعریف کرده بود. دلیل تفاوت بین شاخه های مختلف MVM به زمینه های سیاسی و اجتماعی آنان برمی گردد، به خصوص اینکه در اقلیت هستند. به نظر می رسد شیعیان سعودی یک هویت گسترده تر را ترجیح می دهند که به آنان یک امنیت روانی ارایه کند. در حالی که شیعیان بحرینی و عراقی که در جوامع خود اکثریت تلقی می شوند از این مزیت در راستای منافع خود استفاده می کنند.

با این وجود در سطح بالاتر، رهبری IRO آنقدر واقعگرا بود که تن به یک ایدئولوژی پر طرفدار بدهد و این ایدئولوژی در کنار هدف اساسی خود که همان مقابله با سیاستهای تبعض آمیز سعودی بود، مساله تشکیل امت را قرار داد و در اعلامیه ها و اطلاعیه های عمومی آنها خواهان تحقق یک امت جهانی در مجموعه ی کشورهای اسلامی شد. البته موضوع به این معنا نیست که IRO قصد داشت دستور کاری خود را از MVM جدا کند، آن هم در زمانی که جهان گرایی، ویژگی منحصر به فرد در گفتمان آن محسوب می شد.

### تشکیلاتی کردن اپوزیسیون داخلی

پس از مدت کوتاهی و بعد از شورشهای نوامبر 1979، رهبری IRO از جمله شیخ حسن الصفار و شیخ توفیق السیف کشور را ترک نمودند و به ایران پناهنده شدند. سایر رهبران در داخل کشور باقی ماندند تا به مدیریت فعالیتهای IRO بپردازند و بتوانند شبکه های سازمانی را تقویت نمایند. اعضای جدید جذب کنند و وظایف اساسی خود را به انجام برسانند. پس از بازداشت های گسترده دسامبر 1979 ساختار سازمانی IRO نیازمند بازسازی شد این موضوع با توجه به معیارهای امنیتی جدی بر شهرها و روستاهای شیعه کار بسیار سختی بود.

پس از سالهای انتفاضه رهبران داخلی IRO به طور حیاتی نسبت به توزیع مجلات، کتابها، بروشورها و جزوات داخلی پیاده شده از نوارهای که به طور قاچاقی از ایران به عربستان سعودی می آمد، توجه ویژه ای داشتند. فعالیت دیگری که به وسیله IRO در داخل شهرهای شیعیان انجام می شد نوشتن شعارهای انقلابی بر روی دیوارها و ساختمانها ی عمومی بود که در این شعارها، آزادی زندانیان شیعه و فعالیت علیه رژیم سعودی خواسته می شد. به علاوه رهبران داخلی به فعالیتهای حمایتی مانند گردآوری کمکهای مالی برای تامین فعالیتهای برون مرزی IRO اقدام می نمودند.

پس از آنکه در سال 1984 شاهزاده محمد ابن فهد به جای شاهزاده عبدالمحسن به عنوان حاکم استان شرقی منصوب شد، همه زندانیان آزاد شدند و شرایط اقتصادی - اجتماعی نیز به نحو چشمگیری بهبود یافت. دولت میلیاردها دلا را برای طرح توسعه ی جامعه القطیف اختصاص داد.

با این وجود اوضاع بد امنیتی در استان شرقی از سال 1982 باعث شده بود تا اعضای زیادی از IRO کشور را ترک کنند، این نیز در حالی بود که فعالیتهای اپوزیسیون خارجی نیز به نحو چشمگیری افزایش پیدا کرده بود. شبکه تشکیلات داخلی IRO خود را در سال 1982 بازسازی نمود و این در حالی بود که قبل از این به سختی تشکیلات سازمان به خاطر عملیات پلیسی رژیم آسیب دیده بود و تعداد زیادی از اعضای مشکوک بازداشت شده بودند. موج دستگیری های سال 1982 شامل بازداشت تعداد زیادی از اعضای حزب کمونیست و حزب اقدام سوسیالیستی در عربستان سعودی می شد که اغلب آنها نیز شیعه بودند پس از شورشها، هر دو حزب تلاش کردند که شبکه های تشکیلاتی خود را احیا کنند و به این ترتیب فعالیتهای



خود را مجدداً آغاز نمایند. هنگامیکه اعضای IRO در زندان بودند به سختی توسط «نیروی امنیتی» شکنجه شدند. در نتیجه برخی از زنان جان خود را از دست دادند، مانند سعود الحمد (22ساله) که از روستای الامیه بود و دیگرانی که به واسطه ی شکنجه های زیاد دچار نقص عضو دائمی شدند. اعضای IRO بین سه تا پنج سال محکومیت زندان را به خاطر در دست داشتن جزوه ها، کتابها، و نوارهای ممنوعه و عکس رهبران شیعه متحمل شدند. موج دستگیری به مدت 2 سال و نیم ادامه یافت. با این وجود تقریباً همه ی زندانیان در اواسط سال 1984 بر اساس حکم عفو عمومی شاه فهد از بند رهایی یافتند.

می توان گفت که جریان دستگیری و بازداشت باعث شد تا تجارب سیاسی، سازمانی و تشکیلاتی IRO هرچه بیشتر افزایش یابد. آنها قصد خود را مبنی بر توسعه تاکتیک های جدید برای مقابله با چالش های تحمیل شده ی نیروهای امنیتی گسترش دادند. به علاوه، فعالیتهای خارجی اپوزیسیون احساس جدیدی از اطمینان به خود را برای نهایی که در داخل در صدد مطرح کردن خواسته های خود بودند، شکل داد.

### سنگربندی اجتماعی و مشاجره سیاسی

در خلال سالهای 1980 تا سال 1985 IRO موفق شد تا حضور اجتماعی خود را گسترش داده و نفوذ مذهبی - اجتماعی و فکری خود را در جامعه شیعه ارتقا دهد. نقشهای رهبران مذهبی که در ارتباط با IRO بودند نیز امر بسیار مهمی را در ایجاد استحکام و قدرت ایفا کرد. آنان باعث شدند تا توده های مردم شیعه نسبت به گروه به چشم حمایت نگاه کنند. شیخ یوسف سلمان المهدی به یک شخصیت بی بدیل مذهبی تبدیل شد که به خاطر جایگاه فکری اخلاقی ابعاد معنوی مورد احترام زیادی در بین شیعیان بود. وی کسی بود که بسیاری از نمادهای فکری و اجتماعی را بنیانگذاری نمود و در فعالیتهای داخلی IRO نیز بسیار پرنقش ظاهر شد. چهره دیگر شیخ حسن الخویلیدی بود که چون در عربستان سعودی بین سالهای 1983 - 1987 بازداشت شد، یک خطیب با نفوذ بود که به شدت تبعیض مذهبی و اقتصادی اجتماعی علیه شیعیان را محکوم می کرد.

از چهره های فعال دیگری که در تقویت موقعیت سیاسی و اجتماعی IRO نقش بسیار مهمی را ایفا نمودند می توان به عبدالمحسن الکردار، عبدالجبار الصلاة و اعضای خانواده قریشی در شهر صفوا اشاره نمود مانند عبدالرحیم القریشی و محمد حسین القریشی که همه به IRO متعلق بودند اما آشکارا آن را ابراز نمی کرد. با این وجود در واکنش به موج متوالی بازداشت پیروان IRO برخی از اعضا خود را از جنبش دور کردند و ترجیح دادند که از سیاست به دور بمانند. برخی دیگر به فکر بازنگری فکری - سیاسی درباره ی IRO شدند و به این نتیجه رسیدند که تغییر فکری لازمه تغییر در سایر زمینه ها می باشد. این گروه معتقد بودند که باید با تأکید و سرعت هر چه بیشتری گفتمان مذهبی جنبش را مورد بازنگری فکری قرار داد.

### یک چالش دوگانه

IRO که به خاطر شکاف داخلی پس از عقب نشینی برخی از اعضای خود که واهمه ی امنیتی داشتند مواجه بود سعی نمود تا عناصر جدیدی را تعریف کند و شکل سازمانی مجددی را ارایه نماید. با استفاده از تاکتیکهای جدید سازمانی به دلایل امنیتی بر «جزایر» شناخته شده ی مستقل تکیه می کردند که در آن هسته ها به شکل مستقلانه عمل می نمودند. هر هسته یک وظیفه ی مشخص را دنبال می کرد و اگر توسط پلیس امنیتی شناسایی می شد سایر سلولها آلوده نمی شدند و دست نخورده باقی می ماندند. سلولهای گوناگون نه فقط در استان

شرقی بلکه در سراسر کشور ایجاد شد تا وظایف مختلف مربوط به جنبش را انجام دهند و خطرات امنیتی را بر طرف کنند.

با افزایش فعالیتهای IRO نیزوهای امنیتی تصمیم گرفتند تا از سیاست مشیت آهنین استفاده کنند. در سال 1985 مسئولین امنیتی حمله به طرفداران جنبش را آغاز کردند. این بار سازمان یافته ترین و دقیقترین موج بازداشتها شروع شد تعداد زیادی از شخصیتهای محوری جنبش از جمله رهبران مذهبی چهره های اجتماعی و مدیران ارشد به زندان افتادند و اعترافات آنها مسئولین امنیتی را قادر ساخت تا خطوط داخلی IRO را ردیابی کنند.

در واکنش به این اقدامات سختگیرانه و حمایت فزاینده از ایران در میان شیعیان در سراسر دنیا، تعدادی از اعضای IRO خواهان اتخاذ تئوری ولایت فقیه و رهبری امام خمینی شدند. این پیشنهاد بسیاری از جوامع شیعه را در خلیج فارس و استان شرقی دچار ابهام و آشفتگی ساخت. برای اولین بار IRO با چالی در مقابل مشروعیت و اعتبار خود به عنوان یک جنبش انقلابی مواجه شد رهبرانی که اقتدار آیت الله خمینی (ره) را پذیرا نبودند مورد تشکیک واقع شدند در مقابل IRO و MVM توسط آیت الله سید محمد شیرازی سرپرستی می شد که با رهبری و استراتژی ایران، انطباق کامل نداشت.

رهبران داخلی IRO در مقابل این بحران، به وسیله ی مستحکم ساختن پایگاه های جنبش و پر رنگ نمودن استقلال آن واکنش نشان دادند. آنان بر ماهیت ملی و بومی آن تأکید ویژه می ورزیدند و با توجه به وحدت و برنامه ریزی درست توانستند که بر این چالش فائق آیند. رهبران IRO در خارج کشور نیز نقش بسیار کلیدی را نسبت به مواجهه با تهدیدات جدید نسبت به جنبش ایفا نمودند دلیل این بود که رهبران IRO با گروه های مختلف شیعه از جمله سنتی ها در ارتباط بودند کسانی که ممکن بود آنها را مرتجع بنامند ضمناً IRO با علمای طراز اول قم نیز در تماس بودند.

آنچه که ویژگی منحصر به فرد IRO محسوب می شود مشارکت زنان در فعالیتهای سازمانی و اجتماعی است. تعداد زیادی از زنان جوان برای آموزش مذهبی به خارج رفتند و پس از بازگشت به کشور در فعالیتهای گوناگون فکری و مذهبی - اجتماعی مشارکت نمودند. برای اولین بار در تاریخ شیعیان استان شرقی زنان در جلوی مخاطبین ایستادند و به سخنرانی پرداختند. در این راستا نیز جنبش هزینه ی مربوط به بازداشت زنان فعال را پرداخت نمود. از میان زنان بازداشت شده می توان به عالیه مکی فرید اشاره نمود که در سال 1958 دستگیر شد و پس از آزادی از زندان تجربیات زندان خود را در کتابی تحت عنوان «خاطرات روزانه زنی در زندان سعودی» منتشر کرد.

ظهور IRO به عنوان نقطه عطفی در تاریخ شیعیان استان شرقی محسوب می شود که به نوع خود در تاریخ اپوزیسیون شیعه در کل عربستان سعودی بی مانند است. در اینجا به سه نکته مهم اشاره می شود.

. محافظه کاری مذهبی شیعه که خواهان دور ماندن از عرصه ی سیاست بود، خود را در معرض چالش از طرف حلقه شیعیان انقلابی می دید که از مداخله دفاع می کردند. این گروه انقلابی محافظه کاری مذهبی را مرتجعانه می دید و آن را مانع پیشرفت مردم می دانست.

. IRO و MVM تمام تلاش خود را انجام دادند تا شیعیان را از اقصی نقاط منطقه خلیج فارس با یکدیگر متحد سازند به این امید که قدرت را به دست گیرند و حکومتی اسلامی را برقرار سازند به این منظور یک استراتژی قدرتمند به عنوان نظریه انقلابی جهت مبارزه با رژیم فاسد طراحی شد سپس طراحی و اجرای قوانین اسلامی و صدور آن به سایر کشورهای دنیا مطرح

شد.

در مراحل مختلف انتفاضه، ترس از دولت به کنار گذاشته شد. شیعیان که قبلاً از سرکوب دولت می هراسیدند حال قدرت یافته و بدون وا همه از عواقب، تقاضاهای خود را مطرح می کردند. به علاوه مردم هر چه بیشتر در تنازع سیاسی وارد می شدند و کمتر از رژیم سعودی می ترسیدند.

البته اگر که رهبران IRO مردم را علیه گارد ملی مسلح به چالش نمی کشاندند چنین امری واقع نمی شد. در این راستا رهبران برداشتهای متداول از شیعه را تغییر دادند و آن را از انزوا به فعالیت مؤثر تبدیل نمودند. شیعه به یک ایدئولوژی اعتراض اجتماعی تبدیل شد. سنتها و تاریخ شیعه به شیوه جدیدی تفسیر شد که در آن فعالیت سیاسی به مشخصه اصلی فعالیتهای مذهبی در جوامع مبدل شد و شیعیان خود را با رهبرانی متحد ساختند که از احاطه سیاسی فعال بودند. اگر چه آنها با سنتهای شیعه نیز خود را بیگانه نمی ساختند پس از موفقیت انقلاب اسلامی در ایران، فعالیت گرایشی سیاسی به قسمت غیر قابل تجزیه ی رهبری شیعه تبدیل شد. به طور همزمان، روح مشارکت دسته جمعی نیز در بین شیعیان ارتقا یافت.

قبل از انتفاضه شیعیان بیشتر نگران اوضاع در روستاها خود بودند که نشانگر محدودیت های جغرافیایی و فرهنگی آنان بود. ولی نسبت به روستاهای دیگر اطلاعات چندانی نداشتند. مضافاً اینکه بین جوامع در میان شیعیان از روستاها و شهرهای مختلف به ندرت اتفاق می افتاد با ظهور جنبش انتفاضه ارتباطات بین شیعیان گسترش یافت و ازدواج بین جوامع به امری رایج مبدل شد. روحیه انزوا و فردگرایی به روحیه فعالیت و جمع گرایی تغییر یافت. این موضوع در دادخواستهای مختلفی که توسط شیعیان از اقصی نقاط کشور به شکل مشترک امضا می شد به خوبی هویداست. دادخواستهای که در آنها اصلی ترین در خواست های شیعیان مطرح شده بود.

اگر چه IRO به عنوان یک جنبش انقلابی شناخته می شود اما همواره فعالیتهای خود را به امور مذهبی - اجتماعی محدود کرد و از فعالیتهای تحریک آمیز مانند انجام عملیات نظامی اجتناب نمود، چرا که دغدغه سرکوب و به خطر افتادن موقعیت خود را داشت و این موضوع را بهانه می کرد که شیعیان آماده خشونت انقلابی نیستند. با این وجود IRO هرگز از گزینه ی انقلاب دست برنداشت تا بتواند با گرایش مسلط در بستر جوامع شیعه و MVM، به مقابله برخیزد.